

## مقدمه

نظر به این که علم مکانیک رونق خوبی در کشور داشته است اینجانب سعی کرده ام که مطالبی را که در مورد سیستمهای کلی مکانیک مثل مولد وانتقال قدرت است خلاصه نویسی کرده و در عوض مطالبی خاص و مفید را تهیه بکنم؛ مطالبی که مطمئناً در پیشرفت و به روز شدن مکانیک تأثیر گذار می باشد.

در این پروژه مطالبی که ارائه شده بر مبنای کارهایی است که من در مدت دوره کارورزی خود گذرانده ام از این رو مطالب این پروژه در مورد سیستمهای خاصی از خودرو تنظیم شده است. پروژه اینجانب از ۲ بخش اصلی یعنی:

۱. بخش گزارش کارهای انجام شده در دوره کارورزی

۲. بخش تئوری کار

تشکیل شده است.

امیدوارم که مورد قبول شما استاد محترم جناب آقای عبادی قرار بگیرد.

## موتور

### ساختمان موتور

ساختمان موتورها بسیار گوناگون ولی در عین حال از لحاظ اصول کلی بسیار مشابه است. مثلاً همه موتورهای احتراقی دارای یک محفظه برای فشرده کردن سیال می‌باشند که سیلندر نام دارد. یا اینکه همگی دارای یک قطعه متحرک رفت و برگشتی می‌باشند که پیستون نام دارد و ... لیکن ساختار موتورهای برقی متفاوت است. همگی آنها دارای یک سیم پیچ ثابت می‌باشد که میدان مغناطیسی ایجاد می‌کند. در میان این سیم پیچ میدان، یک آرمیچر (روتور) وجود دارد که با تغییرات میدان مغناطیسی انرژی الکتریکی را به انرژی جنبشی تبدیل می‌کند (به شکل چرخش) و

...

### طرز کار موتور

موتورهای الکتریکی از لحاظ تجهیزات و ساختار نسبتاً ساده تر از موتورهای احتراقی هستند. البته طرز کار آنها نیز نسبتاً ساده تر است. این موتورها با ایجاد یک میدان مغناطیسی و تغییرات مکرر این میدان مغناطیسی باعث به چرخش درآمدن روتور می‌شوند. و این چرخش توسط میله ای از محفظه موتور خارج و مورد استفاده قرار می‌گیرد. موتورهای احتراقی بصورت نوسانی کار می‌کنند یعنی اینکه قطعات متحرک آنها (پیستونها) که قابل انتقال انرژی هستند، حرکت رفت و برگشتی دارند. برای تبدیل این حرکات رفت و برگشتی به حرکت چرخشی وسیله‌ای به نام میل لنگ استفاده می‌شود. لیکن در نهایت انرژی جنبشی این موتورها هم بصورت چرخش یک میله از محفظه موتور به خارج فرستاده می‌شود.

قدم مهم در توسعه موتورهای امروزی (که اغلب موتورهای احتراق داخلی هستند) زمانی برداشته شد که بودورثا مهندس فرانسوی چهار اصل عمده را که برای کار موثر این موتورها الزامی بودند، ارائه کرد. این اصول چهارگانه به قرار زیرند:

- ۱- اتاقت احتراق باید کوچکترین نسبت سطح به حجم ممکن را داشته باشد .
- ۲- فرآیند انبساط مخلوط گاز هوا و سوخت باید تا حد امکان سریع انجام شود .
- ۳- تراکم مخلوط در ابتدای مرحله انبساط باید تا حد امکان زیاد باشد .
- ۴- کورس پیستون می بایست تا حد امکان زیاد باشد .

## انواع موتور

موتورها را بر اساس منبع تامین کننده انرژی به دو دسته موتورهای برقی و موتورهای احتراقی تقسیم می کنند.

موتورهای احتراقی با سوزاندن مواد سوختی (اغلب سوخت های فسیلی) تولید انرژی می کنند . موتورهای برون سوز در این موتورها احتراق در بیرون از موتور صورت می گیرد (مانند موتور بخار) موتورهای درون سوز در اینگونه موتورها ماده سوختنی مستقیماً در داخل موتور سوزانده می شود. موتورهای درون سوز خود به دو گروه تقسیم می شوند:

موتورهای اشتعال جرقه ای: سوخت به کمک یک جرقه الکتریکی در این موتورها مشتعل می شود. موتورهای دیزل: در این موتورها سوخت بواسطه حرارت بالای ایجاد شده بوسیله فشار مشتعل می

گردد

## موتورهای دیزل

موتورهای دیزل نیز مانند سایر موتورهای احتراق داخلی بر مبناهای مختلفی قابل طبقه‌بندی هستند. مثلاً می‌توان موتورهای دیزل را بر حسب مقدار دفعات احتراق در هر دور گردش میل لنگ به موتورهای دیزل دوزمانه و یا موتورهای دیزل چهارزمانه تقسیم‌بندی نموده و یا بر حسب قدرت تولیدی که به شکل اسب بخار بیان می‌گردد. یا بر حسب تعداد سیلندر و یا شکل قرارگیری سیلندرها که بر این اساس به دو نوع موتورهای خطی و موتورهای V یا خورجینی تقسیم بندی می‌کردند و ...

## ساختمان

ساختار موتورهای دیزل نه تنها در سیستم تغذیه و تنظیم سوخت با موتورهای اشتعال جرقه‌ای تفاوت می‌کند. بنابراین ساختارهای بسیار مشابهی میان این موتورها وجود دارد و تنها تفاوت ساختمانی آنها قطعات زیر است که در موتورهای دیزل وجود دارد و در سایر موتورهای احتراق داخلی وجود ندارد.

- **پمپ انژکتور** : وظیفه تنظیم میزان سوخت و تامین فشار لازم جهت پاشش سوخت را به عهده دارد .
- **انژکتورها** : باعث پودر شدن سوخت و گازبندی اتاقک احتراق می‌شوند .
- **فیلترهای سوخت** : باعث جداسازی مواد اضافی و خارجی از سوخت می‌شوند .
- **لوله‌های انتقال سوخت** : می‌بایست غیرقابل اشباع بوده و در برابر فشار پایداری نمایند .
- **توربوشارژر** : باعث افزایش هوای ورودی به سیلندر می‌شوند .

طرزکار

همانگونه که اشاره شد موتورهای دیزل بر اساس نحوه کارکردن به دو دسته موتورهای ۴ زمانه و ۲ زمانه تقسیم می شوند. لیکن در هر دوی این موتورها چهار عمل اصلی انجام می گردد که عبارتند از مکش یا تنفس - تراکم - انفجار و تخلیه اما بر حسب نوع موتورها ممکن است این مراحل مجزا و یا بصورت توأم انجام گیرند .

سیکل موتورهای دیزل چهارزمانه

#### • زمان تنفس:

پیستون از بالاترین مکان خود (نقطه مرگ بالا) به طرف پایین ترین مکان خود در سیلندر (نقطه مرگ پایین) حرکت می کند در این زمان سوپاپ تخلیه بسته است و سوپاپ هوا باز است. با پایین آمدن پیستون یک خلا نسبی در سیلندر ایجاد می شود و هوای خالص از طریق مجرای سوپاپ هوا وارد سیلندر می گردد. در انتهای این زمان سوپاپ هوا بسته شده و هوای خالص در سیلندر حبس می گردد.

#### • زمان تراکم:

پیستون از نقطه مرگ پایین به طرف بالا (تا نقطه مرگ بالا) حرکت می کند و در حالیکه هر سوپاپ بسته اند (سوپاپ هوا و سوپاپ تخلیه) هوای داخل سیلندر متراکم می گردد و نسبت تراکم به ۱۵ تا ۲۰ برابر می رسد. فشار داخل سیلندر تا حدود ۴۰ اتمسفر بالا می رود و بر اثر این تراکم زیاد حرارت هوا داخل سیلندر به شدت افزایش یافته و به حدود ۶۰۰ درجه سانتیگراد می رسد.

#### • زمان قدرت:

در انتهای زمان تراکم در حالیکه هر دو سوپاپ همچنان بسته اند و پیستون به نقطه مرگ بالا می رسد مقداری سوخت روغنی (به گازوئیل) (به درون هوا فشرده و داغ موجود در محفظه

احتراق پاشیده می شود و ذرات سوخت در اثر این درجه حرارت زیاد محترق می گردند.  
پس از خاتمه تزریق سوخت عمل سوختن تا حدود ۲/۳ از زمان قدرت ادامه پیدا می کند.  
فشار زیاد گازهای منبسط شده (به علت احتراق) پیستون را به طرف پایین و تا نقطه مرگ پایین می راند. حرکت پیستون از طریق شاتون به میل لنگ منتقل می شود و موجب گردش میل لنگ می گردد. در این مرحله حرارت گازهای مشتعل شده به ۲۰۰۰ درجه سانتیگراد می رسد و فشار داخل سیلندر تا حدود ۸۰ اتمسفر افزایش می یابد.

#### • زمان تخلیه:

با رسیدن پیستون به نقطه مرگ پایین در مرحله قدرت ، سوپاپ تخلیه باز می شود و به گازهای سوخته تحت فشار اولیه اجازه می دهد سیلندر را ترک کند. پس پیستون از نقطه مرگ پایین به طرف بالا حرکت می کند و تمام گازهای سوخته را بیرون از سیلندر می راند. در پایان پیستون یکبار دیگر به طرف پایین حرکت می کند و با شروع زمان تنفس سیکل جدیدی آغاز می گردد .

#### سیکل موتور دوزمانه دیزل

در این نوع موتورهای دوزمانه سوپاپ تنفس هوای تازه ، نظیر آنچه در موتورهای چهارزمانه ذکر شد وجود ندارد. و به جای آن در فاصله معینی از سه سیلندر ، مجراهایی در بدنه سیلندر تعبیه شده است. که پیستون در قسمتی از مسیر خود جلوی آنها را می بندد، اصول کار این موتورها در دوزمان است، که در واقع در هر دور چرخش میل لنگ اتفاق می افتد.

#### • زمان اول:

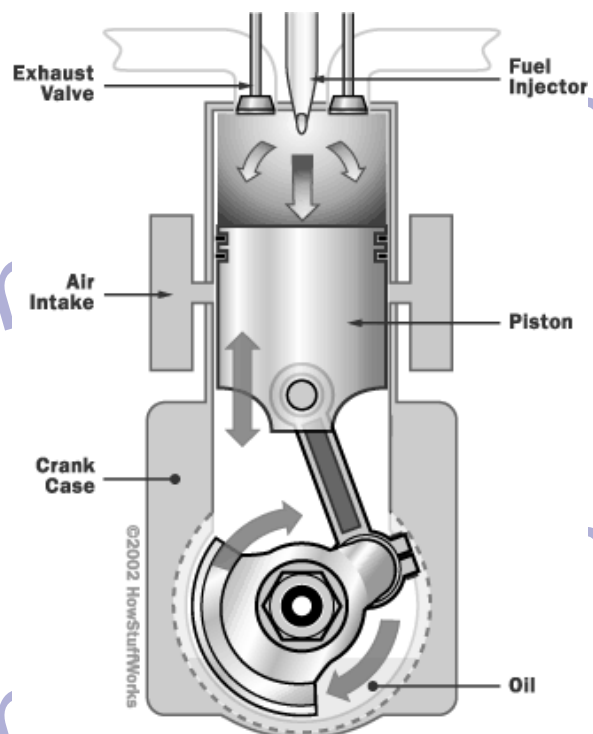
پیستون از نقطه مرگ پایین به طرف بالا و تا نقطه مرگ بالا حرکت می کند. در این زمان

پیستون پس از عبور از جلو مجاری تنفس هوای تازه را تا حد معینی متراکم می‌سازد. در طول این زمان سوپاپ تخلیه که در قسمت فوقانی سیلندر و در داخل سه سیلندر قرار دارد کماکان بسته مانده است.

#### • زمان دوم:

در انتهای زمان اول مقداری سوخت روغنی (گازوئیل) به صورت پودر شده به درون هوای متراکم شده و داغ موجود در محفظه احتراق پاشیده می‌شود و ذرات سوخت محترق می‌گردد. فشار زیاد گازهای محترق شده پیستون را به طرف پایین می‌راند. پیستون در مسیر حرکت روبه پایین خود جلو مجاری تنفس هوای تازه را باز می‌کند. در این موقع هوای تازه به شدت وارد سیلندر می‌گردد. در همین حال سوپاپ تخلیه نیز باز می‌گردد و گازهای حاصل از احتراق بوسیله هوای تازه از سیلندر خارج می‌گردند. پس از رسیدن پیستون به نقطه مرگ پایین سیکل جدیدی آغاز می‌شود.

شکل زیر طرح بندی نوعی از یک موتور دیزل دو زمانه را نشان می‌دهد:



در بالای سیلندر، نوعاً دو یا چهار دریچه ی خروج وجود دارد که هم زمان با هم باز می شوند. همچنین تزریق کننده ی سوخت دیزل نیز وجود دارد ( در بالا با رنگ زرد مشخص شده است). پیستون کشیده (دراز) در نظر گرفته شده، مانند موتور دو زمانه ی بنزینی، بنابراین می تواند به عنوان دریچه ی مکش هوا عمل کند. در حرکت به سمت پایین پیستون، پیستون ورودی مکش هوا را باز می نماید. هوای ورودی توسط یک توربو شارژر یا یک سوپرشارژر تنظیم فشار می شود (آبی روشن). محفظه کارتیل آب بندی شده و حاوی روغن می باشد همچون یک موتور چهار زمانه. چرخه موتور دوزمانه ی دیزل بدین صورت است:

۱- وقتی پیستون در حرکت به سمت بالا می باشد، سیلندر شامل یک هوای بسیار فشرده می باشد. سوخت دیزل توسط تزریق کننده به درون سیلندر اسپری می شود و به دلیل گرما و فشار درون سیلندر به سرعت مشتعل می شود.

۲- فشار تولید شده توسط احتراق سوخت، پیستون را به سمت پایین می راند. این مرحله ی قدرت می باشد.

۳- زمانی که پیستون به نزدیکی پایین حرکتش می رسد تمامی دریچه های خروج باز می شوند، گازهای سوخته شده (دود) از سیلندر خارج می شوند و فشار کاهش می یابد.

۴- زمانی که پیستون به پایین ترین نقطه ی حرکتش می رسد، ورودی ها ی مکش هوا را باز می نماید و هوای فشرده سیلندر را پر می کند و گازهای سوخته شده ی (دود) باقی مانده را خارج می کند.

۵- دریچه های سوخت بسته می شوند و پیستون به سمت بالا برگردد و ورودی های مکش هوای فشرده را می بندد. این مرحله ی تراکم می باشد.



۶- زمانی که پیستون به بالای سیلندر نزدیک می شود، چرخه دوباره از مرحله ی اول تکرار می شود.

با این توضیح، شما می توانید تفاوت بزرگ بین یک موتور دو زمانه دیزل و یک موتور دو زمانه ی بنزینی را درک کنید. در موتور دیزل فقط هوا وارد سیلندر می شود، به جای اینکه مخلوط هوا و سوخت وارد شود. این بدین معنی است که موتور دیزل دو زمانه هیچ کدام از مشکلات محیطی که موتور دو زمانه ی بنزینی باعث آن می شود را ایجاد نمی کند. در مقابل یک موتور دو زمانه ی دیزلی باید یک توربو شارژر یا یک سوپرشارژر داشته باشد و این بدین معنی است که شما هرگز یک موتور دیزل دو زمانه را روی یک اره موتوری نخواهید یافت. چون در این صورت بسیار گران تمام می شود.

## قسمتهای موتور

### سیلندر

#### تقسیمات و انواع سیلندر

همانطور که ذکر شد سیلندرها دارای طیف وسیعی از اندازه و تعداد می باشند. لیکن تقسیم بندی سیلندرها را می توان بر اساس نحوه ساخت و ریخت داخلی آنها انجام داد. چرا که هر گروه از سیلندرها در ابعاد و تعداد مختلف ساخته می شوند. بدنه موتورها یا همان بلوک سیلندر معمولاً به شکل ریخته گری و از جنس چدن یا آلایژ آلومینیم می سازند. در حین ساخت این قطعه ریخته گری مجاری عبور آب را نیز در درون آن تعبیه می کنند. پس از تولید بدنه مجاری عبور روغن از طریق سوراخکاری در بدنه بلوک سیلندر ایجاد می شوند. البته ممکن است این مجاری نیز در مرحله ریخته گری تعبیه شوند. برای سیلندرهایی که پیستون درون آنها حرکت می کند می توان یکی از

ساختارهای زیر را بکار برد.

- بلوک یکجا:

در موتور اکثر وسایل نقلیه از آرایش بلوک یکجا استفاده می‌شود. که در آن سیلندرها مستقیماً در بدنه بلوک سیلندر ریخته‌گری می‌شوند.

بلوک سیلندر:

به مجموعه سیلندره‌های کنار یکدیگر و مجاری آب و روغن اطراف آنها اتلاق می‌گردد.

- بوش خشک:

در این بلوک سیلندر دیواره داخلی سیلندر را از یک استوانه قابل تعویض می‌سازند که اصطلاحاً به این استوانه قابل تعویض بوش می‌گویند. کلمه خشک را نیز به این دلیل به کار می‌برند که آب خنک کننده موتور مستقیماً با دیواره این بوش در تماس نیست.

- بوش تر:

در این بلوک سیلندر دیواره داخلی سیلندر را یک بوش تشکیل می‌دهد لیکن این بوش بصورت مستقیم با آب سیستم خنک کاری موتور در تماس است و با آن از طریق مستقیم تبادل حرارتی انجام می‌دهد .

ساختار

سیلندرها استوانه‌های توخالی هستند که محل بالا و پایین رفتن پیستون می‌باشند. لیکن چگونگی و کیفیت سطح داخلی سیلندرها که در تماس با پیستون است بسیار مهم است. دیواره‌های چدنی یا آلو مینیمی سیلندرها به منظور فراهم آوردن یک سطح صاف برای حرکت پیستون‌ها باید صیقل

زده شود. صیقلی بودن سطح داخلی سیلندرها به خاطر کم کردن اصطکاک میان پیستون و جداره سیلندر است. البته بدیهی است که اصطکاک باعث تولید حرارت اضافی و هدر رفتن انرژی می شود که می بایست تا حد امکان از آن جلوگیری کرد .

برای این منظور از روغن نیز استفاده می شود. سیلندرها و بوش ها دارای سطح پرداخت شده ای (صیقل خورده) می باشند که دارای هاشورهای (شیارهای) بسیار کوچکی است که به شکل متقاطع و در حین حرکت بالا و پایین سنگ سمباده در درون سیلندر ایجاد شده است. این هاشورهای متقاطع از گیر کردن رینگ های پیستون جلوگیری کرده و در ضمن سطحی را برای نگهداری روغن روان ساز فراهم می آورند.

## پیستون

### ساختمان پیستون

پیستونها به شکل یک استوانه توخالی هستند که یک سر آنها بسته و سر دیگرشان باز است که از طریق این سر و بوسیله شاتون به میل لنگ متصل می شود البته معمولا قطر پیستون در سر باز آن بیشتر است. به عنوان یک مثال اگر یک استکان را برگردانید تقریبا شکل کلی یک پیستون را خواهید دید .

طول پیستونها معمولا کمی بیشتر از قطرشان است و تا حد امکان سبک ساخته می شوند. پیستونها

می‌بایست دارای استحکام لازم بوده و کیفیت بالایی داشته باشند در ضمن می‌بایست بتوانند به خوبی حرارت را هدایت کنند. هدایت حرارت در پیستون بسیار حیاتی است زیرا در غیر اینصورت پیستون بسیار داغ شده و خطر چسبیدن آن بر اثر انبساط به جداره سیلندر پیش می‌آید .

#### مواد ساختمانی

موادی که برای ساختن پیستونها بکار می‌روند عبارتند از چدن خاکستری ، فولاد ریخته گری ، و آلیاژ آلومینیوم . از چدن یا فولاد معمولا در ساختار پیستونهای موتورهای سنگین که به سرعت زیاد و شتاب آبی نیاز ندارند استفاده می‌شود. در اغلب موتورهای اتومبیلها از پیستونهایی استفاده می‌شود که با آلیاژ آلومینیوم ساخته شده‌اند. دلیل این تفاوت اینست که مواد بکار رفته در پیستونهای اتومبیلها با وزن سبکتر خود اجازه کار در سرعت‌های بیشتر و انعطاف پذیری در سرعت‌های مختلف را به پیستونها می‌دهند .

از طرف دیگر در بعضی از موتورهای سنگین از پیستونهای آلیاژ آلومینیومی به لحاظ داشتن خواص رسانش گرمایی مناسب این ماده استفاده می‌شود بدین ترتیب که استفاده از آن ، کنترل بهتر حرارت محفظه احتراق را فراهم آورده و بنابراین باعث کنترل بهتر احتراق می‌گردد. پیستونهای چدنی در مقابل فرسودگی مقاومت بیشتری داشته‌شده کمی در داخل سیلندر نسبت به پیستونهای آلومینیومی نیاز دارند (اصطلاح لقی پیستون به فاصله میان پیستون و جداره سیلندر گفته می‌شود). پیستونها چدنی گاهی اوقات با قلع یا یک فلز مخصوص روکش داده می‌شوند تا جلای صاف‌تر و مقاومت بهتری در مقابل فرسودگی بوجود آورند .

#### عیب پیستونهای آلومینیومی

عیب مهم پیستونهای آلیاژ آلومینیومی اینست که دارای ضریب انبساط بالایی می‌باشند. این بدان معناست که لقی در این پیستون می‌بایست اندکی بیشتر از لقی در پیستونهای چدنی باشد، معمولا

برای جلوگیری از انبساط پیستونها از روشهای مخصوصی استفاده می شود که در ذیل چهار روش راجع آنها را به اختصار می کنیم .

#### روش اول

در این روش مقطع بدنه پیستون را به جای آنکه به شکل دایره بسازند . به شکل بیضی عمود بر محور انگشتی پیستون و قطر کوچک آن در جهت انگشتی پیستون باشد .

#### روش دوم

در این روش برای کنترل کردن انبساط پیستون بر اثر حرارت یک سری شکافهای عمودی و افقی و یا فرو رفتگیهایی در بدنه پیستون ایجاد می گردد .

#### روش سوم

در این روش برای کنترل انبساط حرارتی پیستون از روش تقویت کردن یا دو فلزی نمودن قسمتی از پیستون که در معرض حرارت بیشتری قرار دارد، استفاده می گردد. بدین ترتیب که در داخل پیستون نواری از فولاد یا یک فلز مخصوص (که فلز غیر قابل تغییر نامیده می شود) قرار می دهند و روی آنها را با ماده اصلی یا آلیاژهای آلومینیوم پوشش می دهند. در بعضی از پیستونها مواد فولادی بصورت حلقه ای در موقع ریخته گری داخل پیستون قرار می گیرند .

#### روش چهارم

در این روش برای جلوگیری از انتقال حرارت سر پیستون (که در مجاورت احتراق سوخت است) به بدنه پیستون ، یک سر حرارتی شامل شیار است که در نزدیکی سر پیستون و به موازات شیارهای رینگ ایجاد می شود با این عمل تا اندازه ای راهی که حرارت را از سر پیستون به بدنه آن منتقل می سازد کمتر می کنند. بنابراین بدنه زیاد گرم نمی شود و انبساط زیادی پیدا نمی کند .

قسمت های اصلی پیستون

قسمت‌های اصلی پیستون عبارتند از سر یا تاج ، شیارهای رینگ ، سطوح پیستون ، بدنه یا دامن و سوراخ انگشتی .

#### سر یا تاج پیستون

این قسمت سطح بالایی پیستون است معمولا دایره‌ای شکل است و نیروی تولید شده توسط سوخت مستقیما روی آن وارد می‌شود سر بعضی از پیستونها خصوصا پیستونهای موتورهای دوزمانه و موتورهای دیزلی فرمدار ساخته می‌شود .

#### شیارهای رینگ

شیارهای محل قرار گرفتن رینگ‌ها در قسمت بالای پیستون می‌باشند در هر پیستون معمولا ۳ تا ۵ شیار رینگ وجود دارد. پایین‌ترین شیارها متعلق به رینگ‌های روغن می‌باشد و همین دلیل در ته این شیار منافذی برای ورود روغن به داخل پیستون تعبیه شده است .

#### سطوح پیستون‌ها

تکیه گاهها یا سطوح عبارتست از لبه‌هایی که بین شیارهای رینگ قرار گرفته‌اند بگونه‌ای که رینگها را در شیارهای خود نگه داشته و حمایت می‌کنند .

#### بدنه یا دامن پیستون

بدنه پیستون به قسمت خارجی آن گفته می‌شود که در زیر شیارهای رینگ قرار دارد. پیستون توسط بدنه در حالت راست قرار می‌گیرد .

#### سوراخ انگشتی

سوراخ انگشتی محلی است که شاتون بوسیله انگشتی به پیستون متصل می‌گردد. اطراف دو سوراخ انگشتی پیستون (در داخل پیستون) ضخیم‌تر ساخته شده است تا استقامت این سوراخها افزایش یابد. هر یک از این قسمت‌ها ، برجستگی انگشتی پیستون نامیده می‌شود .

## طرز کار پیستون

همانگونه که ذکر شد پیستون اولین قطعه متحرک موتور است که باعث می‌شود تا انرژی آزاد شده از احتراق سوخت در دسترس قرار بگیرد. بدین منظور پیستون با حرکات خود ابتدا باعث ورود هوا و یا مخلوط هوا و سوخت به داخل سیلندر می‌شود (در هنگام حرکت به سمت پایین)، سپس باعث فشردن مخلوط مذکور می‌گردد و در ضمن به نحو رضایت بخشی از نشت کردن گازها جلوگیری می‌کند (در هنگام حرکت رو به بالا)، پس از عمل احتراق انرژی آزاد شده توسط پیستون جذب شده و با کمک شاتون به میل لنگ منتقل می‌گردد. و در نهایت پیستون باعث بیرون راندن گازهای ناشی از احتراق از محفظه سیلندر می‌گردد.

## سوپاپ

### انواع سوپاپ‌ها

- سوپاپ هوا : از لحاظ اندازه مقداری بزرگتر از سوپاپ دور است و در دمای پایین‌تری کار می‌کند.
- سوپاپ دود : به علت تماس مداوم با احتراق یا گازها داغ ناشی از احتراق دمای بالاتری دارد. و البته از لحاظ اندازه هم کوچکتر است .

### ساختمان سوپاپ

سوپاپ‌های متداول امروزی معمولاً از نوع سوپاپ قارچی شکل یا پایه‌دار می‌باشند. این سوپاپ‌ها شامل یک ساقه (که به مشابهِ ساقه قارچ است) و یک سه تخت و پهن (که مشابهِ کلاهک قارچ) می‌باشند. همچنین سه سوپاپ دارای یک لبه مورب است که وجه نامیده می‌شود. همچنین محل

قرارگیری سوپاپ که در سرسیلندر و یا خود سیلندر قرار دارد نیز دارای یک لبه به نام نشیمنگاه است.

در انتهای دیگر سوپاپ یعنی بر روی ساقه آن یک یا گاهاً دو فنر قوی قرار دارد که بوسیله یک نگهدارنده و دو عدد خار به انتهای سوپاپ محکم شده‌اند. فنر سوپاپ موجب می‌گردد تا وجه سوپاپ بر روی نشیمنگاه سوپاپ محکم نگهداشته شده و بدین ترتیب از هر گونه نشستی در زمانهای تراکم و قدرت جلوگیری شود. زاویه رایج برای وجه و نشیمنگاه سوپاپ ۴۵ درجه است. اما برای سوپاپ‌های هوا گاهی از زاویه ۳۰ درجه نیز استفاده می‌شود.

#### مواد ساختمانی و ترکیبات سوپاپ

از آنجایی که سوپاپ‌ها در مقابل حرارات زیادی قرار گرفته و با سرعت زیادی کار می‌کنند در معرض فشار و فرسودگی قابل ملاحظه‌ای قرار دارند، بدیهی است که سوپاپ تخلیه گازهای ناشی از احتراق، داغتر از سوپاپ تنفس می‌شود، زیرا تقریباً در معرض یک شعله مداوم قرار دارد. در حقیقت در شرایطی که موتور زیر بار قرار می‌گیرد، حرارت آن ممکن است آنقدر بالا رود که سوپاپ بسیار رنگ قرمز زرد درآید.

به منظور ایجاد مقاومت در مقابل شکستگی، زنگ زدگی، تاب برداشتن و فرسودگی سریع، سوپاپ‌های تخلیه از آلیاژ فولاد مخصوصی ساخته می‌شوند که دارای مقادیر نسبتاً زیادی از کروم، نیکل، سیلیس و مقدار کمتری از سایر فلزات می‌باشد. سوپاپ‌های تنفس بسیار خنک‌تر از سوپاپ‌های دود، کار می‌کند. بنابراین کمتر در معرض سوختن، زنگ زدن و فرسودگی قرار دارند.

گاید یا راهنمای سوپاپ



ساقه سوپاپ در داخل یک بوش (آستری قابل تعویض) که به آن گاید یا راهنمای سوپاپ گفته می‌شود حرکت می‌کند در تعداد معدودی از موتورهای گاید، سوپاپ وجود ندارد جز یک سوراخ که در بدنه سیلندر یا سرسیلندر تعبیه شده است. اما در اکثر موتور خودروهای گاید قابل تعویض می‌باشد.

ساقه سوپاپ می‌بایستی در داخل راهنمای خود (گاید) به راحتی حرکت کند. اما تماس و جفت شدن آن دقیق آن با دیواره‌های گاید برای کنترل روغنکاری و جلوگیری از به هدر رفتن روغن و نیز به هدر رفتن گازها در مرحله متراکم، بسیار مهم می‌باشد. بعضی از موتورها به درزگیرهای راهنمای سوپاپ مجهز می‌شوند تا اینکه به کنترل این موارد کمک نمایند.

#### لقی ساق سوپاپ

در فاصله میان ساقه سوپاپ‌ها و گایدهای آنها می‌بایست یک لقی مناسب وجود داشته باشد همانگونه که ذکر شد لقی بیش از اندازه به روغن اجازه می‌دهد که به طرف پایین ساق سوپاپ، و به درون مجاری ورودی هوا و خروجی دود جریان یابد و سبب افزایش مصرف روغن گردد.

هرچند که این لقی می‌بایست به اندازه‌ای باشد که اجازه ورود مقداری روغن را جهت روانسازی به هادی سوپاپ بدهد، لقی مذکور به علت اختلاف اندازه میان قطر ساق سوپاپ و قطر داخلی هادی سوپاپ‌ها بوجود می‌آید. قطر این قطعات و در نتیجه میزان لقی قابل قبول ساقه سوپاپ‌ها در دفترچه راهنمای سازنده مشخص شده است.

#### نشیمنگاه سوپاپ

وقتی که فنر سوپاپ ، لبه سوپاپ را در مقابل نشیمنگاه سوپاپ بطور محکم فشار دهد، آب بندی صورت می گیرد. ماشین کاری نشیمنگاه ممکن است. مستقیماً روی سه سیاندر و یا روی حلقه نشیمنگاهی مقاومی که در درون سه سیلندر قرار می گیرد و از جنس فولاد مقاوم ساخته می شود انجام پذیرد. گاهی برای کاهش فرسودگی در نشیمنگاهها از بوشها استفاده می کنند .

مزیت دیگر بوشهای نشیمنگاه (علاوه بر کاهش فرسودگی) اینست که به آسانی قابل تعویض بوده و نیاز به ماشین کار را از بین می برند لازم به ذکر است که در صورت پدیدار شدن فرسودگی در لبه سوپاپها و یا در نشیمنگاه ، هر دوی آنها را می توان با عملیات سنگ زنی تغییر کرد، سطح تماس بین لبه سوپاپ و نشیمنگاه آن باید آنقدر پهن باشد تا اجازه انتقال گره را بدهد و آنقدر باریک باشد تا به از بین بردن رسوبات کمک کند. لازم به ذکر است که شکل هندسی صحیح لبه های سوپاپها و نشیمنگاهها توسط سازنده ذکر است .

#### طرز کار سوپاپ

همانگونه که ذکر شد سوپاپها وظیفه دارند تا در زمانهای مناسب ابتدا هوا را وارد سیلندر سازند. پس از آن در مراحل متراکم و قدرت) احتراق سوخت (بسته بمانند و سپس در مرحله تخلیه گازهای ناشی از احتراق را از سیلندر خارج کند. اما مکانیسم عمل سوپاپ چگونه است و این تنظیم زمانی و نیز نیروی محرکه سوپاپها از کجا می آید؟

#### زمانبندی کار سوپاپها

محل زمانبندی و تنظیم زمانهای باز شدن یا بسته ماندن سوپاپها را قطعه ای به نام میل بادامک انجام می دهد. این میله با توجه به ساختار و شکل برجستگیهای روی آن (بادامکها) تعیین می کند که سوپاپها می بایست در چه زمانی باز شده و پس از آن بسته شوند. همچنین تعیین می کند که

بسته ماندن سوپاپ‌ها می‌بایست تاکی ادامه پیدا کند. همانگونه که ذکر شد حرکات و باز و بسته شدن سوپاپ‌ها می‌بایست کاملاً هماهنگ باشد با حرکات بالا و پایین رفتن پیستون در سیلندر. برای تامین کردن این هماهنگی در ساختمان موتورهای میل بادامک‌ها را در ارتباط ثابت و همیشگی با میل سنگ نگه می‌دارند.

از آنجا که میل لنگ تحت تاثیر حرکات بالا و پایین پیستون می‌چرخد از اینرو حرکت میل بادامک به خودی خود با حرکت پیستون هماهنگ می‌شود. این هماهنگی باعث می‌شود تا در لحظه پایین آمدن در ابتدای کورس خود، به منظور مکش هوا به داخل سیلندر میل بادامک سوپاپ هوا را باز کند. اینکار تا زمانی ادامه می‌یابد که پیستون شروع به متراکم ساختن هوای ورودی سازد در این زمان سوپاپ هوا و سوپاپ دود هر دو بسته شده‌اند. بسته بودن سوپاپ تا پایان مرحله قدرت ادامه پیدا می‌کند در این لحظه با شروع پیستون به حرکت رو به بالای خود سوپاپ دود هم باز شده و تا رسیدن پیستون به نقطه مرگ بالا باز می‌ماند. پس از آن سیکل جدیدی آغاز می‌شود.

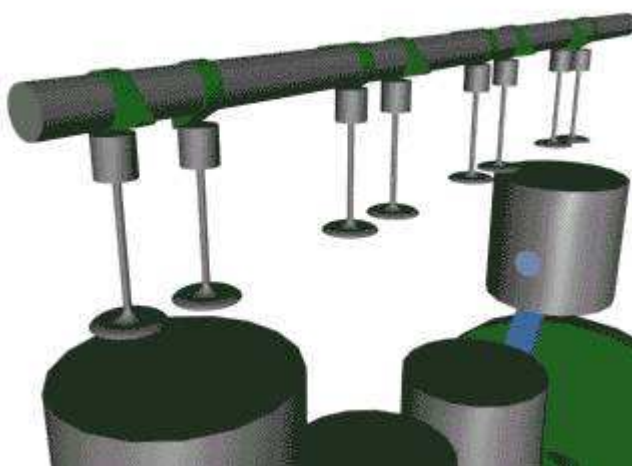
سیستم راه انداز سوپاپ

برای راه اندازی و باز بسته کردن سوپاپ‌ها در موتورهای مختلف و وابسته به نوع و ساختار آن موتورهای قطعات متفاوتی وجود دارد اما بطور کلی قطعات مورد نیاز برای باز و بسته شدن صحیح سوپاپ‌ها عبارتند از میل بادامک، بالابر، میله فشارنده، اسبک سوپاپ، انگشتی سوپاپ و فنرهای سوپاپ البته محل و ترتیب سوپاپ‌ها در وجود یا عدم وجود این قطعات موثر است.

میل بادامک

میل بادامک چگونه کار می‌کند؟

می دانید که سوپاپ ها اجازه می دهند مخلوط هوا-سوخت به موتور وارد شود و همچنین دود خارج شود. میل بادامک از برجستگی هایی (به نام بادامک) استفاده می کند که هنگام چرخیدن، سوپاپ ها را می فشارد تا باز شوند، در حالی که فنرهای روی سوپاپها، آنها را به موقعیت بسته باز می گرداند. این یک کار حیاتی است، که می تواند تاثیرات بسزایی روی عملکرد موتور در سرعتهای مختلف داشته باشد.



میل بادامک

خواهیم آموخت که میل بادامک چگونه عملکرد موتور را تحت تاثیر قرار می دهد. سپس به سراغ راه هایی می رویم که بدان وسیله ماشین ها میل بادامک خود را به گونه ای تنظیم می کنند که بیشترین بازده را در سرعت های مختلف داشته باشد.

مهمترین قسمت هر میل بادامک بر برجستگی های آن است. هنگامی که میل بادامک می چرخد، برجستگی ها متناسب با پیستون ها، سوپاپ ها را بالا و پایین می کنند. برای این منظور، رابطه مشخصی بین برجستگی بادامک ها و نحوه عملکرد موتور در سرعت های مختلف وجود دارد.

برای درک چنین موضوعی فرض کنید که موتور بسیار آهسته کار می کند- در ۱۰ الی ۲۰ دور در دقیقه (RPM)- که به پیستون در طی کردن هر سیکل چند ثانیه وقت می دهد. البته واقعاً به کار

انداختن ماشین در این سرعتی غیر ممکن است. در این سرعت کم، ما نیاز داریم که بادامک ها به گونه ای قرار گرفته باشند که:

۱- همین که پیستون در مرحله مکش شروع به پایین رفتن می کند نقطه مرده بالا (Top

TDC, dead center) بایستی سوپاپ ورودی باز باشد. زمانی که پیستون به پایین می رسد، سوپاپ بایستی بسته شود.

۲- سوپاپ خروج بایستی در زمان نقطه مرده پایین (bottom dead

BDC, center) که همان انتهای مرحله احتراق است، باز شوند و در زمانی که پیستون مرحله تخلیه را طی کرد، باید بسته شوند. این مرحله باید بسیار مرتب تا زمانی که موتور با این سرعت کار می کند، تکرار شود. اما چه اتفاقی می افتد زمانی که دور موتور افزایش می یابد؟ خواهیم دید

زمانی که شما دور موتور را می افزایشید، تنظیمات ۱۰ الی ۲۰ rpm دیگر خوب کار نمی کند. اگر موتور در ۴۰۰۰ rpm باشد، سوپاپ ها در هر دقیقه ۲۰۰۰ بار باز و بسته می شوند و یا ۳۳ بار در هر ثانیه. در این سرعت، پیستون خیلی سریع حرکت می کند و همچنین مخلوط هوا-سوخت نیز به سرعت وارد سیلندر می شود، زمانی که سوپاپ ورودی باز می شود و پیستون مرحله مکش را آغاز می کند مخلوط هوا-سوخت شروع به شتاب گرفتن برای ورود به سیلندر می کند. زمانی که پیستون به پایین مرحله مکش می رسد، مخلوط هوا-سوخت با سرعت زیاد در حال حرکت است، اگر بخواهیم سوپاپ ورودی را به شدت ببندیم، تمامی هوا و سوخت متوقف می شود و وارد سیلندر نمی میشوند. اگر سوپاپ ورودی برای لحظه ای بیشتر باز باشد، تکانه هوا-سوخت که با سرعت در جریان است، به فشار آوردن روی پیستون در ابتدای مرحله تراکم ادامه می دهد. پس هر چه سریع تر موتور حرکت کند، سریع تر مخلوط هوا-سوخت حرکت می کند و ما زمان بیشتری را لازم

داریم تا سوپاپ ورودی باز بماند. همچنین می خواهیم که در سرعت های بالا تر سوپاپ پهن تر باز شود. این ویژگی که ترفیع سوپاپ نام دارد، با مشخصات برجستگی بادامک ها امکان پذیر است.

هر کدام از میل بادامک ها در یک دور موتور خاص خوب کار می کنند. در بقیه سرعت ها موتور با تمام قدرت خود کار نمی کند. به هر حال، یک "میل بادامک ثابت" همواره ارجح بوده است. به همین دلیل است که خودرو سازان برنامه هایی را برای تنوع دادن به پروفیل بادامک ها متناسب با سرعت ماشین در دست بررسی دارند.

میل بادامک ها در موتور های مختلف متنوعند. ما در مورد متعارف ترین آنها صحبت خواهیم کرد. احتمالاً اصطلاحات زیر را شنیده اید:

• تک میل بادامک Single Overhead Cam (SOHC)

• دو میل بادامک Double Overhead Cam (DOHC)

• میل فشاری Pushrod

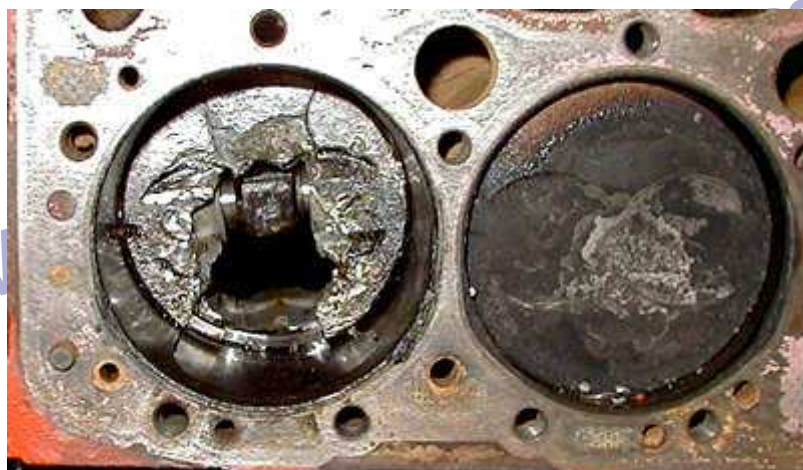
اجازه دهید با تک میل بادامک شروع کنیم.

تک میل بادامک

در این چیدمان موتور دارای یک میل بادامک به ازای هر سرسیلندر است. پس اگر موتور مورد نظر یک موتور ۴ یا ۶ سیلندر تک خط باشد، یک میل بادامک، و اگر ۶-۷ یا ۸-۷ باشد، ۲ عدد خواهد داشت. (یکی برای هر سرسیلندر)

بادامک ها بازوهایی را که به سوپاپ ها متصل است به کار می اندازند. "فنر" ها سوپاپ ها را به وضعیت بسته اولیه باز می گردانند. این فنر ها بایستی بسیار قوی باشند زیرا در سرعت های بالا با سرعت بسیار زیاد به پایین فشرده خواهند شد و این فنرها هستند که باید بازوها را به بادامک چسبیده نگه دارند. اگر قدرت فنرها زیاد نبود، ممکن بود بازوی سوپاپها از بادامک جدا شود و در این صورت این وضعیت باعث فرسودگی مضاعف بازوها می شود.

عکس پایین وضعیتی را نشان می دهد که پیستون به یک سوپاپ باز برخورد کرده است.



© 2000 How Stuff Works

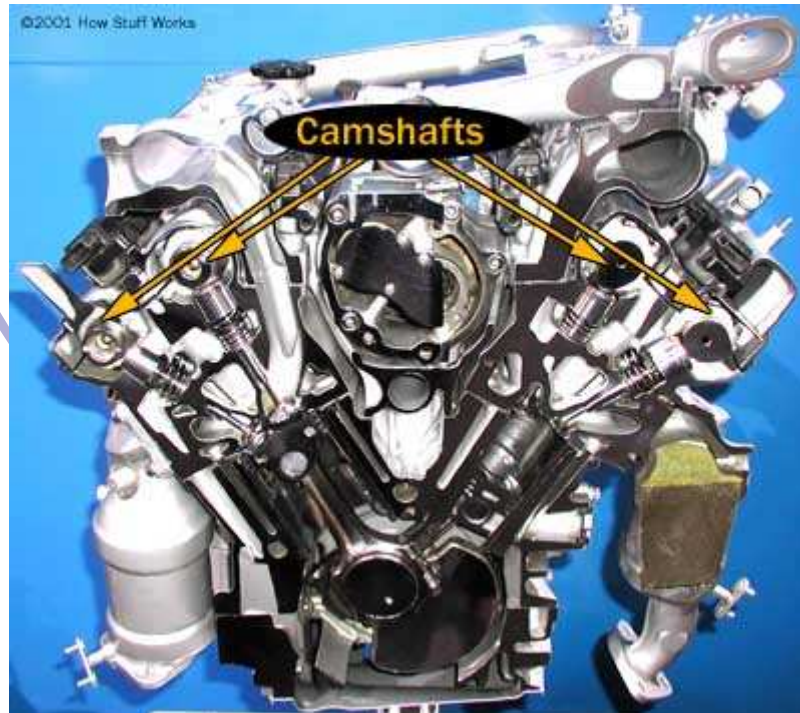
آسیب ناشی از برخورد پیستون با سوپاپ

دومیل بادامک

موتورهای دومیل بادامک دارای دو میل بادامک به ازای هر سرسیلندر می باشند. پس موتور های یک خط دارای دو میل بادامک و موتورهای V-شکل دارای چهار میل بادامک می باشند و معمولاً سیستم دو میل بادامک برای موتورهایی کاربرد دارد که دارای تعداد چهار یا بیشتر سوپاپ



به ازای هر سیلندر می باشند. در واقع یک میل بادامک نمی تواند به اندازه کافی برجستگی روی خود جا دهد تا بتواند این تعداد سوپاپ را به کار بیندازد.



ایده اصلی استفاده از دومیل بادامک برای اینست که بتوان از سوپاپ های ورود و خروج بیشتری بهره جست. سوپاپ های بیشتر بدان معناست که گازهای ورودی و خروجی به دلیل وجود فضای بیشتر برای عبور، راحت تر جریان پیدا می کنند. این امر موجب افزایش قدرت موتور می شود.

میل فشاری (Pushrod)



همانند موتورهای SOHC و DOHC، در موتور های میل فشاری سوپاپ ها در سرسیلندر واقع شده اند. تفاوت اساسی اینست که میل بادامک ها به جای اینکه در سرسیلندر جاسازی شده باشند، در خود بلوک موتور جای دارند.



© 2000 How Stuff Works

یک موتور میل فشاری

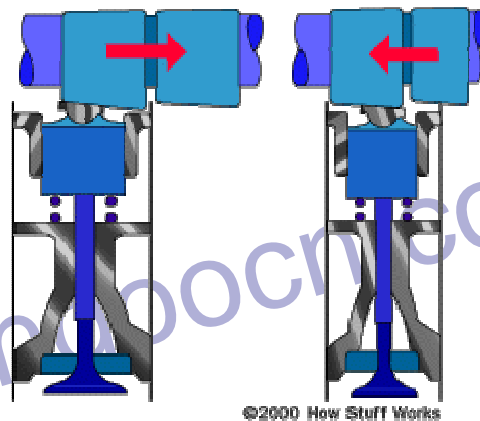
بادامک ها میله های بلندی را که از بلوک موتور تا سرسیلندر امتداد پیدا کرده اند و به منظور فشردن بازوهای سوپاپ ها استفاده می شوند را به حرکت در می آورند. این میله ها یک اضافه بار برای سیستم محسوب می شوند، که باعث افزودن نیروی مازاد بر نیاز به فنر سوپاپ ها می شوند. این مشکل باعث محدود شدن سرعت این گونه موتور ها می شود، موتور هایی که میل بادامک در سرسیلندر دارند، با حذف استفاده از میله های بلند، یکی از تکنولوژی هایی است که امکان ساخت موتور های پرسرعت را می دهند.

میل بادامک در موتور های میل فشاری معمولاً با یک چرخ دنده یا زنجیر کوچک به حرکت در می آیند. چرخ دنده ها معمولاً کمتر مستعد شکستگی می باشند.

#### تنظیم سوپاپ متغیر

چندین روش جدید وجود دارد که میل بادامک ها قادرند برنامه زمانی سوپاپ ها را تغییر دهند. سیستمی که بر روی تعدادی از موتور های Honda استفاده شده است Variable Valve Timing and Lift Electronic Control, VTEC نام دارد. VTEC یک سیستم مکانیکی-الکترونیکی است که به موتور اجازه می دهد که چندین میل بادامک داشته باشد. موتور های VTEC یک بادامک مکش اضافه به همراه سوپاپ مخصوص آن دارند. پروفیل منحصر به فرد این بادامک ها موجب می شود که سوپاپ مکش اضافه مدت بیشتری باز بماند. در دور موتورهای پایین، این بادامک به سوپاپی وصل نیست. اما در دورهای بالا یک پیستون، بازوی سوپاپ اضافه را به بادامک مربوطه قفل می کند. برخی اتومبیل ها از وسیله ای استفاده می کنند که زمان بندی سوپاپ را پیش می اندازد. این وسیله سوپاپها را طولانی تر باز نگه نمی دارد، بلکه در عوض، آن را دیرتر باز کرده و دیر تر می بندد. برای اینکار، میل بادامک را چند درجه جلو تر از حد معمول خود می چرخانیم. اگر سوپاپ مکش در حالت عادی ۱۰ درجه قبل از نقطه مرده بالا (TDC) باز شود و در ۱۹۰ درجه بعد از TDC بسته شود، کل مدت باز بودن سوپاپ ۲۰۰ درجه است. زمان باز و بسته شدن سوپاپ ها را می توان با استفاده از مکانیزمی که میل بادامک را چند درجه ای به جلو می چرخاند، جابجا کرد. پس ممکن است سوپاپ ۱۰ درجه بعد از TDC باز شود و ۲۱۰ درجه بعد از آن بسته شود. ۲۰ درجه دیرتر بسته شدن سوپاپ ها بسیار عالیست، ولی به هر حال ما بایستی سعی کنیم که مدت زمانی که سوپاپ مکش باز است را افزایش دهیم.

Ferrari یک ایده واقعاً زیبا را برای این کار در اختیار دارد. میل بادامک در بعضی از ماشین های Ferrari به صورت پروفیل سه بعدی برش داده شد اند که برجستگی بادامک در طول میل بادامک تغییر می کند. برجستگی بادامک در یک سمت بزرگتر از سمت دیگر آن است که شیب ملایمی این دو پروفیل را به هم متصل کرده است. یک مکانیزم می تواند کل میل بادامک را در امتداد محور خود جابجا کند تا اینکه بازوی سوپاپ با بخش های مختلف بادامک در تماس باشد. این میل بادامک هنوز هم مانند میل بادامک های عادی می چرخد ولی اگر آنرا به آرامی در امتداد محور متناسب با سرعت و بار خودرو جابجا کنیم، می توانیم زمان بندی سوپاپ را بهینه کنیم.



یک میل بادامک قابل تغییر که در بعضی مدل های فراری استفاده شده

بسیاری از کارخانجات تولیدی خودرو در حال انجام تحقیقات بر روی سیستم هایی هستند که بتوان تحت آنها به تغییر نامحدود در زمان بندی سوپاپ ها دست یافت. برای مثال، تصور کنید که سوپاپ ها یک سیملوله به دور خود دارد که می تواند به جای استفاده از میل بادامک، توسط کامپیوتر اداره شود. با این سیستم، شما قادر به دریافت بیشترین بازده از موتور در هر دور موتور خواهید بود. وسیله ای که می تواند چشم انداز آینده باشد.

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

سیستمهای جدید در انتقال قدرت

انتقال قدرت اتوماتیک

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

CVT چگونه کار می کند؟

بعضی ها معتقدند نمی توان به یک سگ پیر حرکات جدید یاد داد، اما انتقال قدرت پیوسته ( CVT) که لئوناردو داوینچی ۵۰۰ سال پیش اندیشه اش را در سر داشت و در حال حاضر جای انتقال قدرت اتوماتیک را در بعضی خودروها گرفته، یک سگ پیر است که قطعاً چیز جدیدی یاد گرفته است !

در واقع از اولین CVT که در ۱۸۸۶ ثبت شده تاکنون تکنولوژی آن بهبود پیدا کرده است، امروزه چندین کارخانه خودروسازی از جمله جنرال موتورز، آیودی، هوندا و نیسان در حال طراحی CVT های خود هستند.

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)



### Nissan HR15DE engine with Xtronic CVT

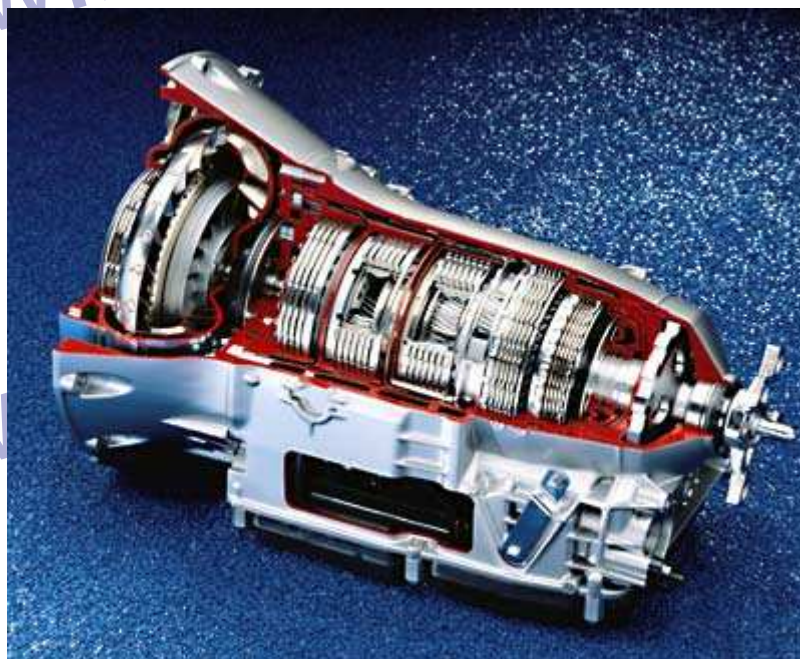
اگر درباره ی ساختار و طرز کار انتقال قدرت اتوماتیک در بخش دنده ی اتوماتیک چگونه کار می کند، خوانده باشید، می دانید که وظیفه ی انتقال قدرت، تغییر دادن نسبت سرعت چرخ و موتور است، به عبارت دیگر، بدون یک جعبه دنده خودرو فقط یک دنده خواهد داشت، دنده ای که به اتوموبیل اجازه دهد با سرعت مناسب حرکت کند.

یک لحظه تصور کنید در حال رانندگی با اتوموبیلی هستید که فقط دنده یک یا دنده سه دارد، در حالت اول خودرو با شتاب خوبی از حالت سکون حرکت می کند و می تواند از یک تپه با شیب تند بالا رود اما بیشترین سرعت آن به چند مایل در ساعت محدود می شود، از طرف دیگر در حالت دوم



خودرو با سرعت ۸۰ مایل بر ساعت در یک بزرگراه به سمت پایین حرکت خواهد کرد اما تقریباً شتابی هنگام شروع حرکت نخواهد داشت و نمی تواند از تپه بالا رود.

جعبه دنده از تعدادی چرخ دنده استفاده می کند تا با تغییر شرایط رانندگی استفاده ی مناسبی از گشتاور موتور شود، دنده ها می توانند به طور دستی و یا اتوماتیک تغییر کند.



Mercedes-Benz CLK automatic transmission

در جعبه دنده های اتوماتیک قدیمی، چرخ دنده ها وظیفه انتقال و تغییر گشتاور و حرکت دایره ای را به عهده دارند، ترکیبی از چرخ دنده های سیاره ای تمام نسبت های دنده ای که لازم است را به وجود می آورند. معمولاً ۴ دنده جلو و یک دنده معکوس، وقتی با این نوع جعبه دنده، دنده عوض می شود راننده ضربه ای را احساس می کند.

## اصول CVT

بر خلاف سیستم انتقال قدرت اتوماتیک، در سیستم انتقال قدرت با قابلیت تغییر پیوسته، جعبه دنده ای با تعداد مشخص چرخ دنده وجود ندارد یعنی در CVT چرخ دنده های دندانه دار درگیر با هم وجود ندارند رایج ترین نوع CVT بر اساس سیستم پولی کار می کند که اجازه ی بینهایت تغییر بین بالاترین و پایین ترین دنده بدون گسستگی را می دهد.



CVT Ford Freestyle Duratec engine with

اگر از اینکه چرا درباره ی CVT هم از واژه دنده استفاده می شود تعجب می کنید به خاطر بیاورید که منظور از دنده نسبت سرعت موتور به سرعت محور چرخ هاست، اگرچه CVT این نسبت را

بدون استفاده از چرخ دنده های سیاره ای انجام می دهد اما باز هم از واژه دنده برای CVT استفاده می شود.



CVT هایی بر اساس پولی

به جعبه دنده اتوماتیک توجه کنید، در آن دنیایی از چرخ دنده ها، ترمز ها، کلاچ ها و دستگاه های کنترل را خواهید دید در مقابل CVT به سادگی قالب مطالع است، بیشتر CVT ها فقط سه جزء اساسی دارند:

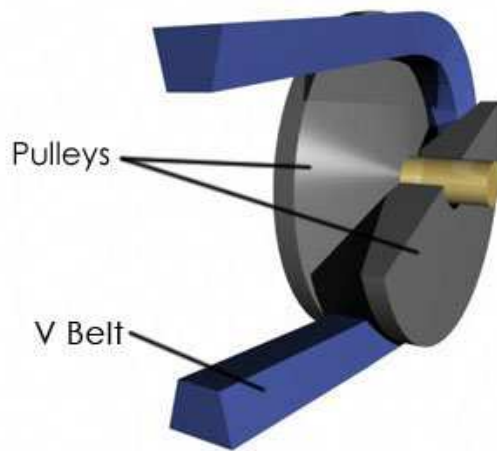
• یک تسمه محکم فلزی یا لاستیکی

• یک پولی متغییر محرک (ورودی)

• یک پولی خروجی

بعلاوه CVT ها انواع مختلفی از ریزپردازنده ها و حسگر ها را دارا می باشند اما سه جزء ی که در بالا توضیح داده شده اند اجزای اصلی اند که به این سیستم اجازه ی کار می دهند.

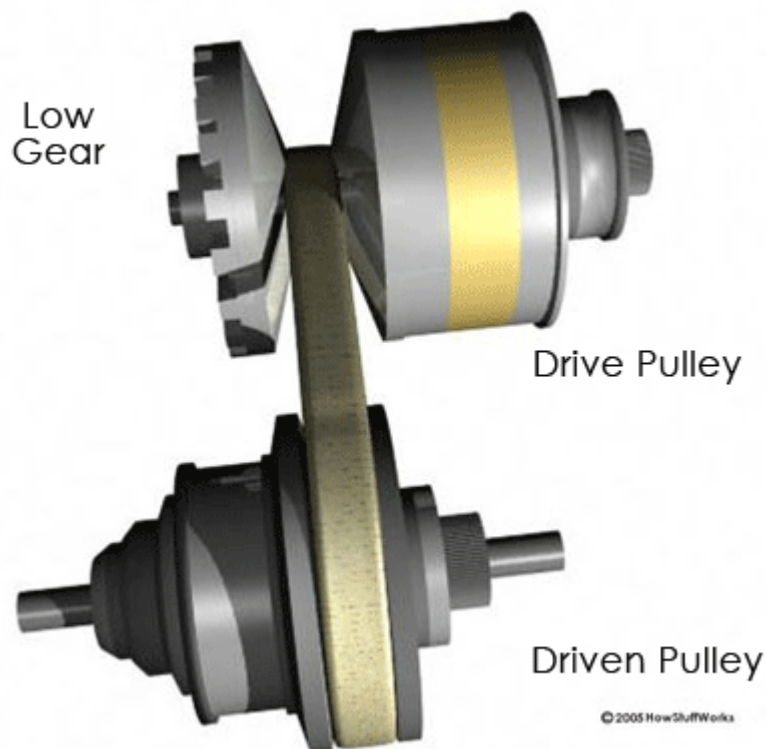




© 2005 HowStuffWorks

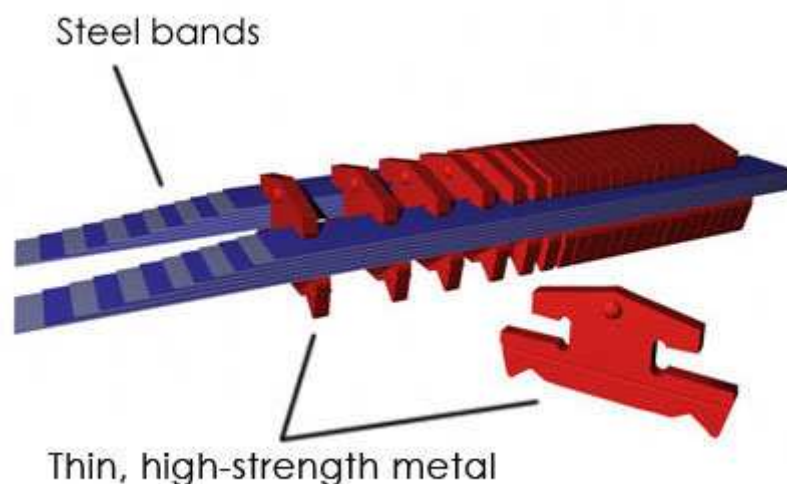
### CVT Pulley-based

پولی های با شعاع متغیر قلب CVT هستند، هر پولی از دو مخروط با زاویه راس ۲۰ درجه که رودر روی یکدیگر قرار دارند تشکیل شده است، تسمه ای در شیار بین دو مخروط قرار دارد، در صورت لاستیکی بودن تسمه ها از تسمه های V شکل استفاده می شود، تسمه های V شکل از آنجا نام خود را می گیرند که سطح مقطع V شکل دارند که اصطکاک تسمه با پولی را افزایش می دهد.



وقتی دو مخروط از هم فاصله بگیرند، یعنی ضخامت پولی بیشتر شود، تسمه در شکاف پایین تر می رود و شعاع تسمه ی حلقه شده دور پولی کاهش می یابد و وقتی دو مخروط به هم نزدیک می شوند، یعنی ضخامت پولی کاهش می یابد، تسمه در شکاف بالا تر رفته و شعاع تسمه ی حلقه شده دور پولی افزایش می یابد CVT می تواند از فشار هیدرولیکی یا نیروی گریز از مرکز و یا کشش فنر به منظور تولید نیروی مورد نیاز برای تنظیم دو نیمه ی پولی استفاده کند.

پولی ها با قطر متغیر همیشه به صورت دوتایی به کار می روند یکی از پولی ها که به عنوان پولی محرک شناخته می شود، به میل لنگ موتور متصل است، پولی محرک ، پولی ورودی هم نامیده می شود زیرا جایی است که انرژی موتور وارد سیستم انتقال قدرت می شود، پولی دوم پولی گردنده نامیده می شود زیرا پولی اول آن را می چرخاند، به عنوان پولی خروجی، پولی گردنده انرژی را به محور چرخها منتقل می کند.



© 2005 HowStuffWorks

## design Metal belt

وقتی یک پولی ضخامت خود را افزایش می دهد، دومی از ضخامت خود می کاهد تا تسمه کشیده باقی بماند.

زمانی که دو پولی ضخامت خود را نسبت به یکدیگر تغییر می دهند، بینهایت نسبت دنده مختلف بوجود می آید، از کم به زیاد، شامل همه نسبت های مابین، برای مثال وقتی شعاع تسمه در پولی محرک کم و در پولی خروجی زیاد باشد، سرعت دوران پولی خروجی کاهش می یابد که دنده پایین تری را ایجاد می کند و وقتی شعاع تسمه در پولی محرک زیاد و در پولی خروجی کم باشد، سرعت دوران پولی خروجی افزایش می یابد و دنده بالا تری را ایجاد می کند، بنابراین در تئوری یک CVT بینهایت دنده را شامل می شود و می تواند در هر زمانی و با هر دور موتوری کار کند.

طبیعت ساده و بدون گسستگی CVT ها آنها را به یک سیستم انتقال قدرت ایده آل برای تمام ماشین ها و وسایل، نه فقط خودرو ها، تبدیل کرده است، CVT ها سالهای زیادی در ابزار های قدرتی و مته ها بکار می رفتند، همچنین از آنها در وسایل نقلیه مختلفی اعم از تراکتور ها و ماشین های برف رو و اسکوتر های موتوری استفاده می شود، در تمام این کاربردها این نوع سیستم انتقال قدرت از تسمه هایی با لاستیک فشرده استفاده می شود که می تواند کشیده شده یا سر بخورد و در نتیجه باعث هدر رفتن انرژی و کاهش کارایی شود.

اختراع ماده های جدید CVT ها را مطمئن تر و کارآمد تر از قبل می سازد، یکی از مهمترین پیشرفت ها طراحی و توسعه ی تسمه های فلزی برای متصل کردن دو پولی بوده است، این تسمه

های انعطاف پذیر از چندین ، عموماً ۹ یا ۱۲، نوار نازک فولادی که تکه های فلزی پاپیونی شکل بسیار مقاوم را کنار هم نگه می دارد ساخته شده است.

تسمه های فلزی سر نمی خورند و بسیار با دوام اند که به CVT اجازه ی انتقال گشتاور بیشتری را می دهند، در ضمن آرام تر از تسمه های لاستیکی هستند.

### انواع دیگر CVT

CVT ی چنبری:

نوع دیگری از CVT است که در آن تسمه و پولی ها با دیسک ها و غلطک ها جایگزین شده است.

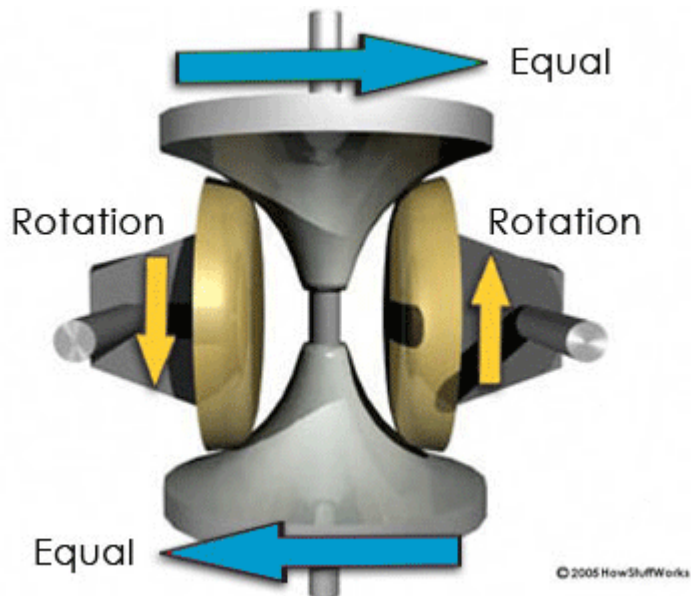


اگر چه چنین سیستمی خیلی متفاوت به نظر می رسد همه اجزای آن قابل مقایسه با تسمه و پولی

است و نتیجه ی یکسانی می دهد. طرز کار آن اینجا آمده است:

- یک دیسک به موتور متصل است که معادل پولی محرک است

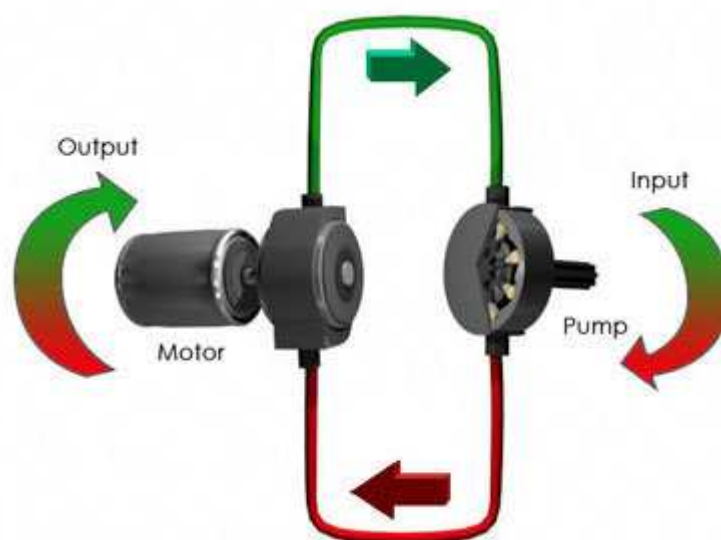
- دیسک دیگری به میل گاردان متصل است که معادل پولی مقاوم است
- غلطک ها و یا چرخ ها بین دو دیسک واقع شده اند و مانند تسمه نیرو را از یک دیسک به دیگری منتقل می کنند



چرخ ها می توانند در دو جهت بچرخند. حول محور افقی می چرخند و به سمت بالا و پایین حرکت می کنند که این به چرخ ها اجازه می دهد در وضعیت های مختلف با دیسک در تماس باقی بمانند. وقتی چرخ ها با دیسک محرک در نزدیکی مرکز در تماس باشند با دیسک مقاوم در نزدیکی لبه آن در تماس هستند که این باعث کاهش سرعت و افزایش گشتاور می شود (مانند دنده ی سنگین) وقتی چرخ ها با دیسک محرک در لبه ی آن تماس داشته باشند باید با دیسک مقاوم نزدیک مرکز در تماس باشند که باعث افزایش سرعت و کاهش گشتاور می شود (مانند دنده سبک) بدین ترتیب حرکت ساده ی چرخ ها نسبت دنده را بصورت لحظه ای و ملایم تغییر می دهد.

CVT های هیدرواستاتیکی:

هر دو نوع CVT ی پولی- تسمه ای و چنبری از CVT های اصطکاکی هستند که با تغییر دادن شعاع تماس بین دو بخش چرخنده کار می کنند. نوع دیگری از CVT ها وجود دارد که به عنوان CVT ی هیدرواستاتیکی شناخته شده است. در آن از پمپ های جا به جایی متغیر استفاده شده تا جریان مایع ورودی به موتور هیدرواستاتیکی را تغییر دهد. در این نوع انتقال قدرت، حرکت چرخشی موتور یک پمپ هیدرواستاتیکی را در طرف محرک به کار می اندازد. پمپ حرکت چرخشی را به جریان سیال تبدیل می کند آنگاه با یک موتور هیدرواستاتیکی که در طرف مقاوم قرار دارد، جریان سیال دوباره به حرکت چرخشی تبدیل می شود.



اغلب انتقال قدرت هیدرواستاتیکی با یک دسته دنده ی سیاره ای و کلاچ ها ترکیب می شود تا یک سیستم دو گانه به نام انتقال قدرت هیدرومکانیکی را تشکیل دهد. انتقال قدرت هیدرومکانیکی نیرو را با سه روش به چرخ ها منتقل می کند. در سرعت های پایین به صورت هیدرولیکی و در سرعت های بالا به صورت مکانیکی نیرو را منتقل می کند و بین این دو حد، از هر دو روش برای انتقال استفاده می کند. انتقال قدرت هیدرومکانیکی برای کارهای سنگین مناسب است و به همین علت معمولاً در تراکتورهای کشاورزی و وسایل نقلیه ای که روی هر سطحی حرکت می کنند به کار می رود.



انتقال قدرت دستی چگونه کار می کند.

هنگام رانندگی با اتومبیل دنده دار ممکن است با چنین سوالاتی روبه رو شوید:

- چه ارتباطی بین حرکت H مانند دنده و چرخ دنده های درون جعبه دنده وجود دارد؟ وقتی دنده را عوض می کنید چه چیزی درون جعبه دنده جا به جا می شود؟
- وقتی راننده در عوض کردن دنده اشتباه می کند، صدای قیژقیژ شنیده می شود. واقعا چه اتفاقی

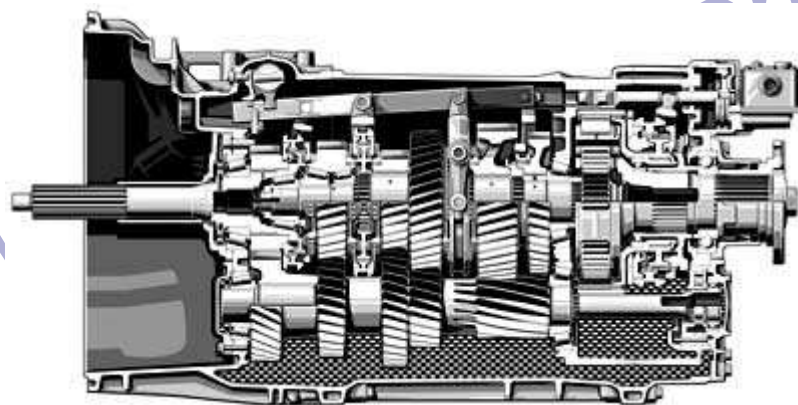
می افتد؟



• اگر هنگامی که راننده در بزرگراه مشغول رانندگی با سرعت بالا است ، ناگهان دنده را به عقب بزند چه اتفاقی می افتد؟ آیا ممکن است کل جعبه دنده متلاشی شود؟  
در این مقاله، با بررسی سیستم انتقال قدرت دستی به این سوالات و حتی سوالات بیشتری در این زمینه پاسخ داده می شود.

اول از همه باید بدانید که ، اتومبیل ها به علت ساختار موتورهای بنزینی به جعبه دنده احتیاج دارند. هر موتوری یک خط قرمز دارد (ماکزیمم دور موتور که اگر بیش از این مقدار دور داشته باشد متلاشی می شود)

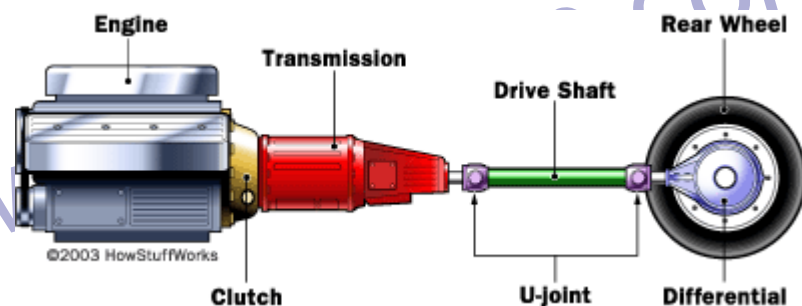
در ضمن اگر قسمت " اسب بخار چگونه کار می کند؟ " را بخوانید ، می فهمید دور موتوری که در آن قدرت و گشتاور در ماکزیمم خود هستند دامنه ی محدودی دارد. برای مثال ، یک موتور ممکن است ماکزیمم توان خود را در ۵۵۰۰ دور در دقیقه به دست آورد. سیستم انتقال قدرت این امکان را ایجاد می کند که با کم و زیاد شدن سرعت خودرو نسبت دنده بین موتور و چرخ های خودرو تغییر کند. در واقع شما دنده را عوض می کنید تا موتور زیر خط قرمز بماند در حالی که دور موتور نزدیک به دور آن در بهترین حالت عملکرد است.



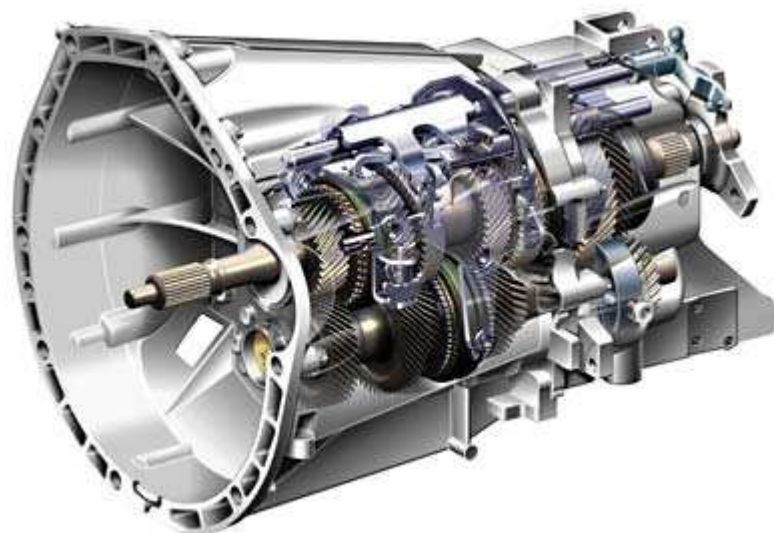


به طور ایده آل ، جعبه دنده باید آنقدر در نسبت دنده ها قابلیت تغییر داشته باشد که موتور بتواند همیشه با تعداد دور مربوط به بهترین شرایط عملکرد خودش بچرخد. این ایده ی مربوط به CVT ها است.

یک CVT تقریباً دامنه ی نا محدودی از نسبت دنده ها دارد. در گذشته CVT ها در هزینه ، اندازه و قابلیت اطمینان توانایی رقابت با سیستم های ۴ و ۵ سرعته را نداشتند در نتیجه به ندرت در خودرو های تولید شده مشاهده می شدند. امروزه ، پیشرفت در زمینه ی طراحی ، CVT ها را متداولتر کرده است. Toyota pruis یک خودروی هیبریدی است که در آن از CVT استفاده شده است.



جعبه دنده از طریق کلاچ به موتور وصل شده است. بنا براین محور ورودی جعبه دنده با همان تعداد دورهای موتور می چرخد.



یک جعبه دنده ی ۵ سرعتی یکی از ۵ نسبت دنده را برای محور ورودی به کار می گیرد تا تعداد دور متفاوتی در محور خروجی ایجاد کند.

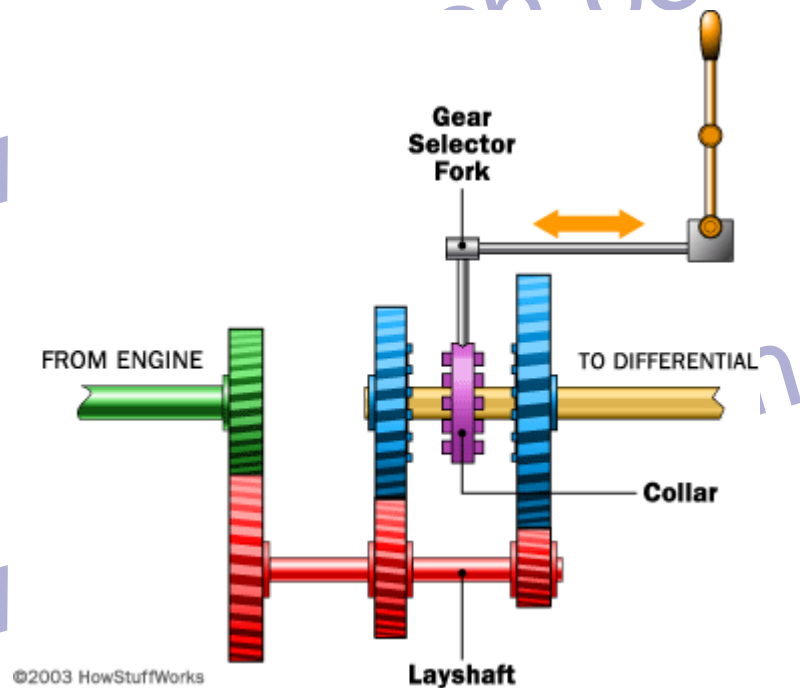
Gear	Ratio	RPM at Transmission Output Shaft with Engine at 3,000 rpm
1st	2.315:1	1,295
2nd	1.568:1	1,913
3rd	1.195:1	2,510
4th	1.000:1	3,000
5th	0.915:1	3,278

برای اطلاعات بیشتر قسمت CVT چگونه کار می کند را بخوانید.

حال به یک جعبه دنده ی ساده نگاه کنید:

برای فهمیدن ایده ی اصلی یک جعبه دنده ی استاندارد ، به دیاگرام زیر که مربوط به یک جعبه

دنده ی دو سرعتی و ساده در حالت خلاص است توجه کنید:



حال هر یک از اجزای دیاگرام را بررسی می کنیم:

● محور سبز رنگ از طریق کلاچ از موتور خارج شده است. چرخ دنده و محور سبز رنگ به هم متصلند و یک واحد مجزا را تشکیل می دهند. (کلاچ وسیله ایست که امکان اتصال و قطع اتصال موتور و جعبه دنده را ایجاد می کند. وقتی که پدال کلاچ را فشار می دهید، اتصال موتور و جعبه دنده قطع می شود در نتیجه موتور حتی در حالت خلاص کار می کند. با رها کردن پدال ، موتور و محور سبز مستقیماً به هم وصل می شوند ، به این ترتیب چرخ دنده و محور سبز با همان تعداد دور موتور می چرخند.)

● محور قرمز و چرخ دنده ها میل هرزگرد نام دارد. محور و چرخ دنده ها مانند قسمت قبل به هم متصل اند و یک واحد مجزا را ایجاد می کنند. در نتیجه همه ی چرخ دنده های روی هرزگرد و حتی خود میل مانند یک واحد می چرخند. محور سبز و قرمز رنگ از طریق چرخ دنده هایشان مستقیماً به هم متصل اند در نتیجه با چرخش محور سبز ، محور قرمز هم شروع به حرکت می کند. بدین ترتیب میل هرزگرد ، قدرتش را با درگیر شدن کلاچ از موتور می گیرد.

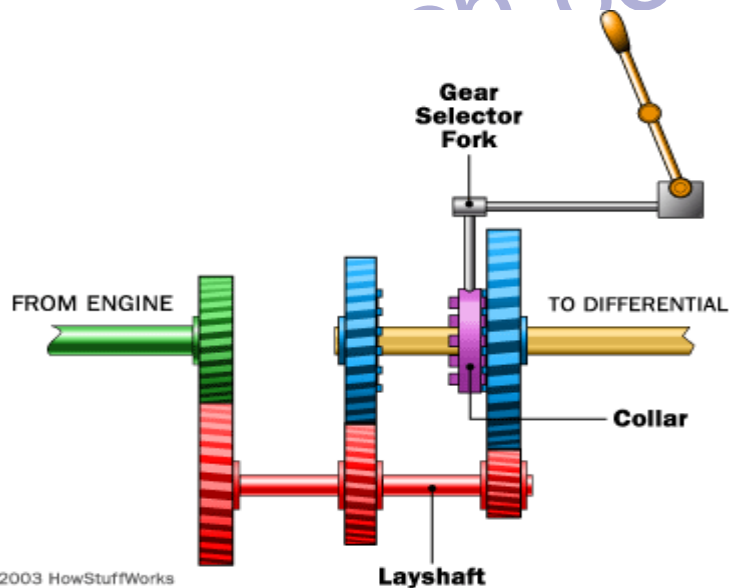
● محور زرد رنگ یک محور هزارخار است که مستقیماً بوسیله ی دیفرانسیل به میل گاردان وصل شده و سپس به چرخ های خودرو متصل است. اگر چرخ ها در حال حرکت باشند ، محور زرد هم متحرک خواهد بود.

● دنده های آبی رنگ روی یاتاقان سوارند و بر روی محور زرد رنگ می چرخند. اگر موتور خاموش باشد ولی اتومبیل با دنده ی خلاص در حال حرکت ، محور زرد می تواند داخل دنده ی آبی بچرخد با وجود اینکه دنده ی آبی و میل هرزگرد ساکن اند.

● حلقه (collar) یکی از دو دنده ی آبی را به میل گاردان زرد رنگ متصل می کند. حلقه بوسیله ی هزارخار مستقیماً به محور زرد مرتبط است و با آن حرکت می کند. به علاوه میتواند برای درگیر کردن هر یک از دنده های آبی روی محور زرد به چپ و راست بلغزد. دندانه های روی حلقه (dog teeth) در سوراخ های روی دنده ی آبی قرار می گیرند و آنها را درگیر می کنند.

دنده یک:

تصویر زیر نشان می دهد که چگونه در دنده ی یک ، حلقه، چرخ دنده ی آبی سمت راست را درگیر می کند.



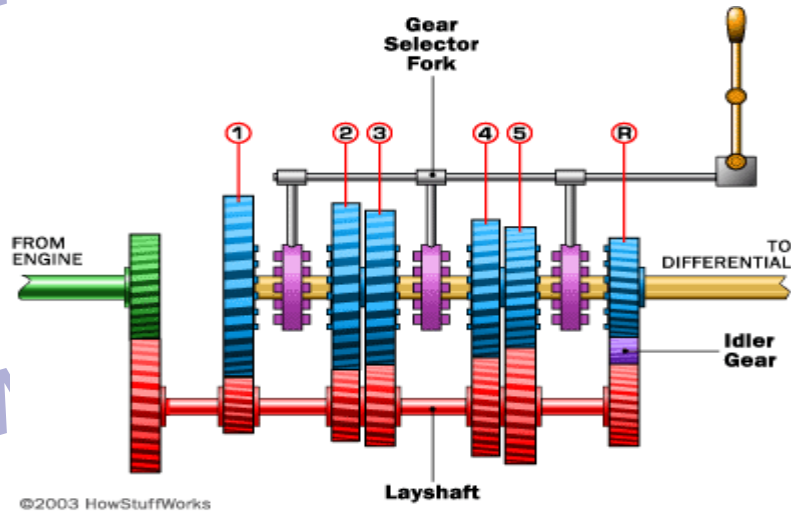
در این تصویر ، محور سبز موتور، میل هرزگرد را میچرخاند که خود دنده ی آبی سمت راست را می چرخاند. این دنده انرژی را از طریق حلقه به میل گاردان منتقل می کند. بدین ترتیب اگر دنده ی آبی سمت چپ در حال چرخش باشد اما روی یاتاقانش به حالت هرز بگردد ، هیچ تاثیری روی محور زرد ندارد.

وقتی حلقه بین دو دنده قرار دارد (حالت شکل اول) دنده خلاص است و هر دو دنده ی آبی روی محور زرد به حالت هرز، با سرعت های متفاوت ، بسته به نسبتشان با میل هرزگرد ، می گردند.

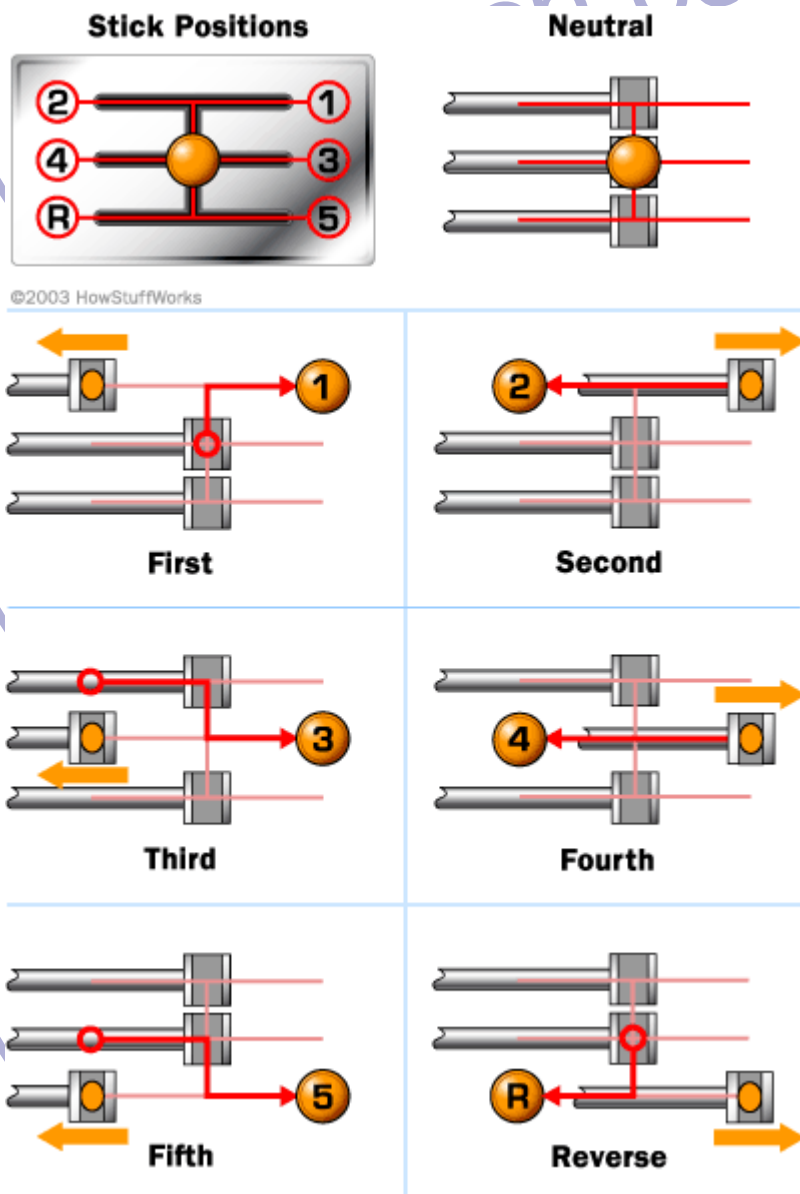
از این بحث نتایج زیر بدست می آید:

- وقتی دنده بد عوض می شود ، صدایی که به گوش میرسد ، صدای گیرافتادن دندانه های دنده ها نیست چون همانطور که در شکلها می بینید دندانه ها همیشه کاملاً درگیر هستند. در واقع صدایی که شنیده می شود نتیجه ی تلاش ناموفق دندانه های حلقه (dog teeth) برای گیر انداختن سوراخ های بدنه ی دنده ی آبی است.

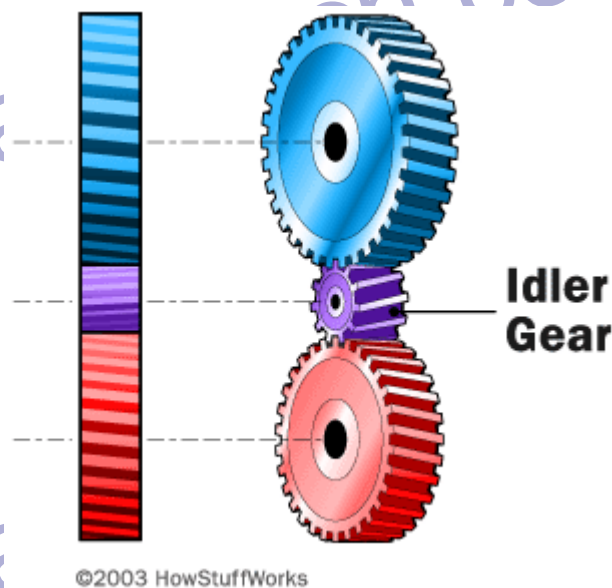
امروزه دنده ی دستی ۵ سرعته تا حد خوبی برای خودرو ها استاندارد است. داخل این دنده چیزی شبیه شکل زیر است:



کلاً ۳ ماهک وجود دارد که با ۳ میله ی متصل به دسته دنده کنترل می شوند. اگر از بالا به میله های تعویض دنده نگاه کنیم در حالت های دنده عقب ، یک و دو به شکل زیر اند:



به یاد داشته باشید که دسته دنده در وسطش یک نقطه ی چرخش دارد. وقتی در حالت دنده یک دسته دنده را به جلو حرکت می دهید در واقع ماهک و میله ی دنده ی یک جا به عقب می کشید. وقتی که به چپ و راست حرکت می دهید در واقع ماهک های مختلف (و در نتیجه حلقه های متفاوت) را در گیر می کنید. از طرفی جلو و عقب بردن دسته دنده حلقه را با یکی از دنده ها درگیر می کند.



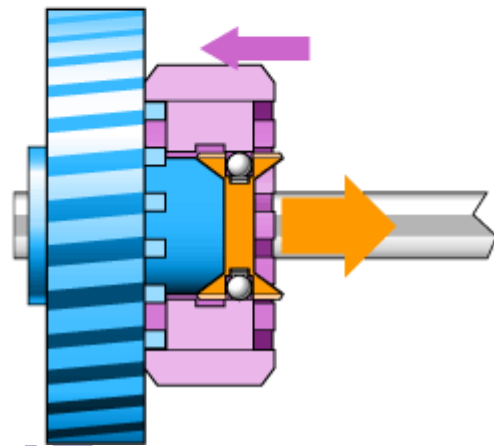
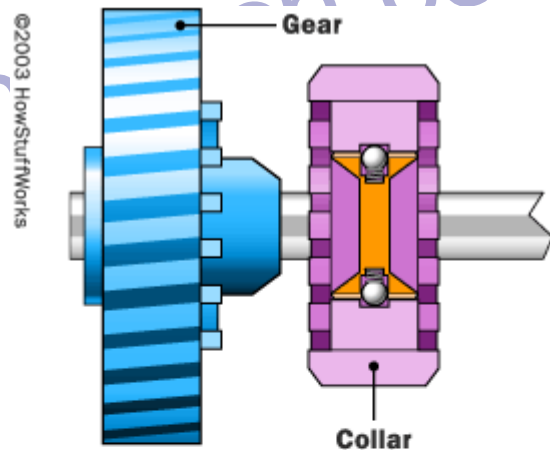
دنده عقب به کمک یک دنده ی کوچک کمکی شکل می گیرد(بنفش).دنده ی آبی عقب در این شکل همیشه خلاف جهت سایر دنده های آبی حرکت می کند.در نتیجه عقب زدن دنده وقتی خودرو به جلو حرکت می کند ممکن نیست.در ضمن دندانه های حلقه (dog teeth) در این جریان اصلاً در گیر نمی شود اگرچه صدای زیادی ایجاد می کنند.

همگام سازها:

سیستم انتقال قدرت دستی در ماشین های مسافری جدید برای رفع نیاز دو بار کلاچ گرفتن از همگامسازها کمک می گیرد.روش کار یک همگام ساز به این صورت است که باعث می شود دنده و حلقه قبل از اتصال دندانه های حلقه (dog teeth) تماس اصطکاکی داشته باشند.این باعث می شود تا سرعت دنده و حلقه انطباق زمانی پیدا کند قبل از اینکه دندانه ای در گیر شود.مانند شکل

زیر:





مخروط روی چرخ دنده ی آبی در سوراخ مخروطی شکل حلقه قرار می گیرد و اصطکاک بین مخروط و حلقه، چرخ دنده و حلقه را همگام می کند. سپس حلقه به گونه ای می لغزد که دندانه های حلقه (dog teeth) دنده را درگیر کند.

البته هر تولید کننده ی ابزارهای انتقال قدرت و همگام ساز را به روشهای متفاوتی تولید می کند اما ایده ی کلی همانطور است که شرح داده شد.

## چرخ دنده ها

یکی از قطعات مهم در خودرو می باشد که در باره آن به طور کامل صحبت می کنیم

چرخدنده ها چگونه کار می کنند؟



چرخدنده ها در بسیاری از وسایل مکانیکی استفاده می شوند. آنها کارهای متفاوت بسیاری انجام می دهند ولی مهمترین آن کاهش دنده در تجهیزات موتوری است. این نقشی کلیدی است زیرا اغلب یک موتور کوچک چرخان با سرعت زیاد می تواند قدرت کافی برای وسیله را تولید کند ولی گشتاور کافی را نمی تواند. بعنوان مثال پیچ گوشتی الکتریکی دنده کاهشی بسیار بزرگی دارد زیرا که نیاز به گشتاور پیچشی

زیادی برای پیچاندن پیچ دارد. ولی موتور فقط مقدار کمی گشتاور در سرعت بالا تولید می کند. با دنده کاهشی سرعت خروجی کاهش اما گشتاور افزایش می یابد.

کار دیگری که چرخدنده ها انجام می دهند تنظیم کردن جهت چرخش است. بعنوان نمونه در دیفرانسیل بین چرخ های عقب اتومبیل شما قدرت بوسیله میل محوری که به مرکز اتومبیل متصل است منتقل می شود و دیفرانسیل باید ۹۰ درجه نیرو را بچرخاند تا در چرخها بکار برد.

پیچیدگیهای بسیاری در انواع مختلف چرخدنده وجود دارد. در این مقاله خواهیم آموخت که دندانه های چرخدنده چگونه کار می کنند و درباره انواع مختلف چرخدنده که در همه نوع ابزارهای مکانیکی یافت می شوند خواهیم آموخت.

اصول اولیه

در هر چرخنده نسبت دنده با فاصله از مرکز چرخنده تا نقطه تماس تعیین می شود. به عنوان مثال در ابزاری با دو چرخنده، اگر قطر یکی از چرخنده ها ۲ برابر دیگری باشد، ضریب دنده ۲:۱ خواهد بود. یکی از ابتدایی ترین انواع چرخنده که می توانیم ببینیم چرخشی با برآمدگی هایی بشکل دندانه های چوبی است.

#### چرخنده ی ساده ی چوبی

مشکلی که این نوع از چرخنده ها دارند این است که فاصله از مرکز هر چرخنده تا نقطه تماس، وقتی که چرخنده می چرخد تغییر می کند. این بدان معنی است که ضریب دنده وقتی چرخنده می چرخد تغییر می کند. یعنی سرعت خروجی نیز تغییر میکند. چنانچه شما در اتومبیل خود از چرخنده هایی شبیه به این استفاده کنید، ثابت نگه داشتن سرعت در این شرایط غیر ممکن خواهد بود و شما دائما باید سرعت را کم و زیاد کنید.

دندانه های چرخنده های نوین پروفیل مخصوصی که دنده گستران (اینولوت involute) نامیده می شود استفاده می کنند. این پروفیل دارای خاصیت بسیار مهم ثابت نگه داشتن نسبت سرعت بین دو چرخنده است. در این نوع، همانند چرخ میخی بالا نقطه تماس جابجا می شود ولی فرم گستران دندانه های چرخنده این جابجایی را جبران می کند. برای جزئیات به این قسمت مراجعه کنید. در ادامه بعضی از انواع چرخنده ها را میبینیم

#### چرخنده ساده

چرخنده های ساده معمولی ترین نوع چرخنده می باشند. آنها دندانه های صافی دارند و بر روی محورهای موازی سوار می شوند. سابقا چرخنده های ساده بسیاری برای بوجود آوردن دنده های کاهشی بسیار بزرگی استفاده می شد.



### چرخنده ی ساده

چرخنده های ساده در دستگاه های بسیاری استفاده می شوند. مانند پیچ گوشتی الکتریکی ، آبپاش نوسانی ، ساعت زنگی ، ماشین لباسشویی و خشک کن لباس . اما شما در اتومبیل خود تعداد زیادی از آن را نخواهید یافت زیرا چرخنده ساده واقعا " می تواند پر سروصدا باشد. هر وقت دندانه چرخنده یک دنده را با چرخنده دیگری درگیر کند دنده ها برخورد کرده و این ضربه صدای بلندی تولید می کند، همچنین فشار روی چرخنده را افزایش می دهد. برای کاهش دادن صدا و فشار روی چرخنده اغلب چرخنده ها در اتومبیل شما مارپیچی می باشند.

### چرخنده های مارپیچ

وقتی دو دنده بر روی سیستم چرخنده مارپیچ درگیر می شوند تماس از انتهای یکی از دنده ها شروع شده و بتدریج با چرخش چرخنده گسترش میابد تا زمانی که دودنده بطور کامل درگیر شوند.



چرخنده مارپیچ

درگیر شدن تدریجی چرخنده های مارپیچی را وادار می کند که آرامتر و ملایم تر از چرخنده های ساده عمل کنند. به همین دلیل چرخنده های مارپیچی تقریباً "در جعبه دنده های همه اتومبیل ها مورد استفاده قرار می گیرد.

بعلت زاویه دنده ها در چرخنده های مارپیچ وقتی که دنده ها درگیر می شوند بار محوری بوجود می آورند. دستگاه هایی که از چرخنده های مارپیچ استفاده می کنند یا تاقان هایی دارند که می توانند این بار محوری را نگه دارند. یک نکته جالب در مورد چرخنده های مارپیچ این است که اگر زوایای دندانه های چرخنده صحیح باشند می توانند روی محور عمودی سوار شده زاویه چرخش را روی ۹۰ درجه تنظیم کنند.



چرخنده مارپیچ عمودی

### چرخنده مخروطی

چرخنده مخروطی زمانی مورد استفاده قرار می گیرد که مسیر چرخش محور نیاز به تغییر کردن دارد و معمولاً "برمحورهای ۹۰ درجه سوار می شوند ولی می توانند طوری طراحی شوند که در زوایای دیگر نیز به همین خوبی عمل کنند. دندانها روی چرخنده های مخروطی می توانند صاف ، مارپیچی و یا قوسی باشند. دندانها های چرخنده های مخروطی صاف در حقیقت مشکلی مشابه دنده چرخنده های ساده دارند. که وقتی هر دنده درگیر می شود به دنده متناظر در آن لحظه ضربه می زند.



#### چرخنده مخروطی

درست مانند چرخنده ساده، راه حل این مشکل انحنا دادن به دندانه های چرخنده می باشد. این دندانه های مارپیچی درست مانند دندانه های مارپیچی درگیر می شوند تماس از یک انتهای چرخنده شروع می شود و به صورت تصاعدی در سرتاسر دندانه گسترش می یابد.

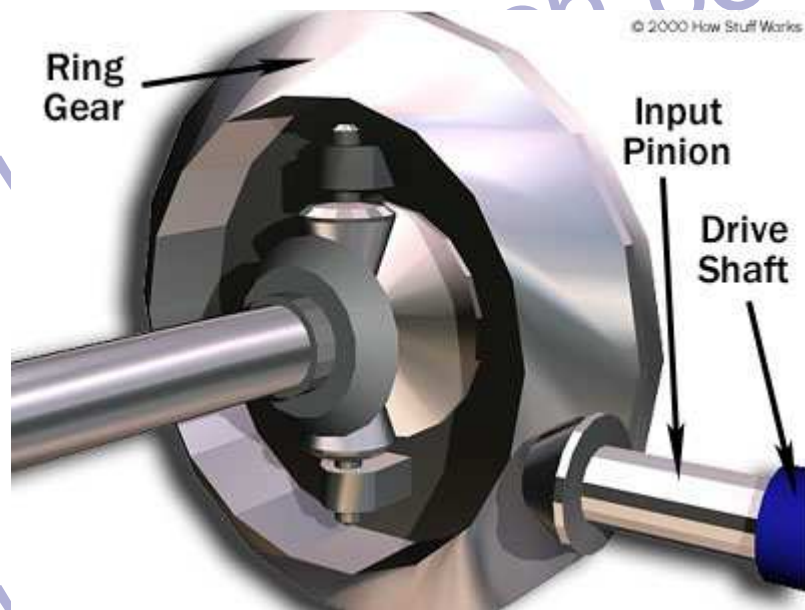




### چرخدنده مخروطی با دندانه های مارپیچ

در چرخدنده های مخروطی صاف و مارپیچی محورها باید بر هم عمود باشند و همچنین در یک صفحه واقع شوند. اگر شما دو محور را پشت چرخدنده امتداد دهید همدیگر را قطع خواهند کرد. از طرف دیگر چرخدنده های قوسی (hypoid gear) می توانند با محور ها در صفحات مختلف (محور های متنافر) درگیر شوند.





### چرخنده ی مخروطی هیپوئیدی در دیفرانسیل

این خصوصیت در دیفرانسیل اتومبیل‌های بسیاری استفاده می شود. چرخنده بزرگ مخروطی دیفرانسیل و چرخنده کوچک ورودی (پنیون) هر دو از نوع قوسی (هیپوئیدی) هستند. این به پنیون ورودی اجازه می دهد که پایین تر از محور چرخنده بزرگ مخروطی سوار شود. شکل بالا پنیون ورودی درگیر با چرخنده مخروطی بزرگ در دیفرانسیل را نشان می دهد. زمانی که محور محرک اتومبیل به پنیون ورودی متصل می شود پایین تر قرار می گیرد. این بدان معنی است که محور محرک در قسمت سواری جایی را اشغال نمی کند و فضای بیشتری برای سرنشینان و بار ایجاد می کند.

چرخنده های حلزونی

چرخنده حلزونی هنگامی مورد استفاده قرار می گیرد که نیاز به دنده کاهشی بزرگی باشد. برای چرخنده های حلزونی نسبت کاهش ۱:۲۰ و حتی تا ۱:۳۰۰ یا بالاتر از آن متعارف است.



چرخنده حلزونی

بسیاری از چرخنده های حلزونی خاصیت جالبی دارند که چرخنده های دیگر ندارند: پیچ حلزون براحتی می تواند چرخنده را بچرخاند ولی چرخنده نمیتواند پیچ حلزون را بچرخاند و این بدان علت است که زاویه ی روی پیچ حلزون بقدری کم است که وقتی چرخنده سعی می کند آنرا بچرخاند نیروی اصطکاک بین چرخنده و پیچ حلزون آن را در جای خود نگه می دارد و مانع

چرخش آن می شود.

این خاصیت برای ماشینهایی از قبیل سیستم های نقاله مکانیکی مورد استفاده است. آنهایی که خاصیت قفل کنندگی در آنها هنگامی که موتور نمی چرخد می تواند همانند یک ترمز برای نقاله عمل کند.

استفاده خیلی جالب دیگر چرخنده های حلزونی در دیفرانسیل تورسن (Torsen differential) که در بعضی از اتومبیلها و کامیونهای بارکش با کارایی بالا استفاده می شود است.

چرخنده و میله دنده (ترجمه از لیلا علیزاده ساروی)

چرخنده و میله دنده برای تبدیل کردن حرکت دورانی به حرکت خطی استفاده می شوند. مثال کاملی از آن فرمان اتومبیلهاست. فلکه فرمان چرخنده ای که با میله دنده درگیر است را می چرخاند. وقتی که چرخنده می چرخد میله دنده را به چپ یا راست می لغزاند بسته به آنکه شما فرمان را بکدام سمت می پیچانید.



چرخنده و میله دنده در ترازوی خانگی

چرخنده و میله دنده همچنین در بعضی ترازوها برای گردش صفحه مدرجی که وزن شما را نشان می دهد به کار می رود.

### چرخنده های سیاره ای و نسبت بین دنده ها

هر مجموعه چرخنده سیاره ای سه جزء اصلی دارد :

- دنده خورشیدی
- دنده سیاره ای و حامل دنده سیاره ای
- دنده بزرگ حلقه ای (رینگی)

هر کدام از این سه جزء می توانند ورودی یا خروجی باشند یا می توانند ثابت نگه داشته شوند. انتخاب کدام قطعه ای برای کدام منظور نسبت دنده را برای چرخنده ها معین می کند. به یکی از چرخنده های سیاره ای منفرد نگاهی می اندازیم.

یکی از چرخنده های سیاره ای جعبه دنده ما یک چرخنده بزرگ حلقه ای با ۷۲ دنده (کرانویل) و یک چرخنده خورشیدی با ۳۰ دنده دارد. می توانیم نسبت دنده های بسیاری از این جعبه داشته باشیم.

	ورودی	خروجی	ثابت	محاسبات	نسبت دنده
A	(S) خورشیدی	حامل سیاره ای (C)	حلقه (R)	$1 + R/S$	3.4:1
B	C	R	S	$1 / (1 + S/R)$	0.71:1
C	S	R	C	$-R/S$	-2.4:1

همچنین قفل شدن هر دو جزء با هم همه ی قطعه را قفل خواهد کرد و نسبت دنده ۱:۱ خواهد شد

توجه کنید که اولین نسبت دنده ای که در جدول بالا ثبت شده است کاهشی است یعنی سرعت خروجی از سرعت ورودی کمتر است. دومین نسبت دنده پرسرعت است یعنی سرعت خروجی بیشتر از سرعت ورودی است و آخری نیز دوباره کاهشی است ولی مسیر خروجی معکوس شده است. نسبت دنده های مختلف بسیاری از مجموعه چرخنده بالا می توان استخراج کرد ولی آنهایی که می بینید مربوط به جعبه دنده ی اتوماتیک می باشند. در پویا نمایی زیر می توانید مشاهده کنید:

شکل متحرک نسبت دنده های مختلف مربوط به جعبه دنده اتوماتیک

روی دکمه سمت چپ قسمت بالا کلیک کنید.

پس این یکی از مجموعه های چرخنده است که می تواند همه ی این نسبت دنده های مختلف را بدون درگیر کردن یا خلاص کردن چرخنده های دیگر تولید کند. با دو تا از این مجموعه چرخنده ها در یک ردیف ما می توانیم ۴ دنده جلو و یک دنده عقب (معکوس) مورد نیاز در جعبه دنده را داشته باشیم. در قسمت بعدی دو مجموعه از چرخنده ها را با هم قرار خواهیم داد.

جزئیات پروفیل چرخنده گسترانی (اینولوت) (ترجمه از لیلا علیزاده ساروی)

در پروفیل دندانه های چرخنده گسترانی نقطه تماس از نزدیکی یکی از دندانه ها شروع شده و با چرخش چرخنده نقطه تماس از آن چرخنده دور شده و به دیگری نزدیک می شود. اگر شما نقطه تماس را دنبال کنید، نشانگر یک خط مستقیم است که از یکی از چرخنده ها شروع شده و در کنار دیگری پایان می یابد. این بدان معنی است که شعاع نقطه تماس با درگیر شدن دندانه ها بزرگتر می شود.

قطر دایره گام قطر تماس موثر است. از آنجایی که قطر تماس ثابت نمی باشد قطر دایره گام واقعا فاصله تماس متوسط است. وقتی که دندانها ابتدا شروع به درگیر شدن می کنند دندانها چرخنده بالایی به دندانها چرخنده پایینی در داخل قطر دایره گام برخورد می کند. اما توجه کنید که آن قسمت از دنده بالا که با دنده پایین تماس پیدا می کند، در آن نقطه بسیار لاغر است. با چرخش چرخنده نقطه تماس به سمت قسمت ضخیم تر دندانها چرخنده بالایی لغزیده می شود. این امر دنده بالایی را به جلو رانده بنا براین جبرانی برای قطر تماس اندکی کوچکتر می باشد. با ادامه دادن دندانها به چرخیدن نقطه تماس دور تر شده حتی از قطر دایره گام خارج می شود. اما پروفیل دندانهای پایینی جبرانی برای این جابجایی است. نقطه تماس شروع به لغزیدن به سمت قسمت لاغر دندانهای پایینی می کند مقدار کمی از سرعت چرخنده بالایی برای جبران قطر تماس افزوده شده، کم می کند. نتیجه نهایی این است که حتی اگر قطر نقطه تماس بطور ممتد تغییر کند سرعت ثابت باقی می ماند. بنابراین پروفیل دندانها چرخنده گسترانی یک نسبت سرعت دورانی ثابت تولید می کند.

سیستمهای نوین

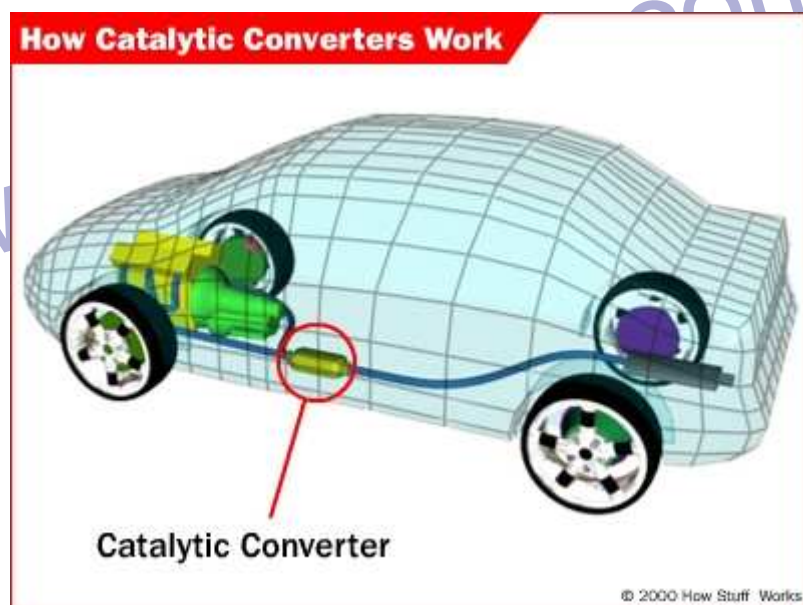
مبدل های کاتالیزوری چگونه کار می کنند؟

معرفی مبدل های کاتالیزوری



در آمریکا میلیون ها خودرو در حال حرکت اند، و هر کدام منبع آلودگی بالقوه می باشند. به خصوص در شهرهای بزرگ، این میزان آلودگی که از جمع خودروها تولید می گردد، می تواند مشکلاتی بس عظیم به وجود آورد.

برای حل مشکلاتی از این دست، شهرها و ایالات و دولت فدرال، قوانین هوای-پاک ایجاد می کنند؛ و بسیاری از قوانین، وعظ گردیده اند تا میزان آلودگی تولیدی توسط خودروها را محدود سازند. به منظور هماهنگی با این قوانین، خودروسازان اصلاحات بسیاری را بر روی موتور و سیستم سوخت رسانی اعمال کرده اند. برای کمک به کاهش آلودگی های خروجی، قطعه جالبی به نام مبدل کاتالیزوری طراحی کردند، که در سر راه گاز خروجی قرار گرفته و مقدار زیادی از آلودگی می کاهد.



محل مبدل کاتالیزوری در خودرو

در این مقاله، شما فرا خواهید گرفت که موتور یک خودرو چه آلاینده هایی را تولید کرده و علت تولید آنها چیست؛ و اینکه مبدل کاتالیزوری چگونه از پس این آلاینده ها برمی آید. مبدل های

کاتالیزوری به صورت شگفت آوری قطعات ساده ای می باشند، بنابراین دیدن اینکه چه تاثیر بزرگی می گذارند، غیر قابل باور است!

آلاینده هایی که موتور خودرو تولید می کند (ترجمه از sidwinder)

به منظور کاهش آلودگی خروجی، موتور خودروهای نوین به طور دقیقی میزان سوخت مصرفی را کنترل می نمایند. آنها سعی می کنند تا نسبت هوا به سوخت را در نقطه محاسبه میزان عناصر (استوکیومتریک) نگاه دارند، و آن همان نسبت محاسبه شده ی ایده آل هوا به سوخت باشد. از دیدگاه نظری، در این نسبت، همه سوخت با استفاده از تمامی اکسیژن موجود در هوا می سوزد. برای بنزین، نسبت محاسبه میزان عناصر در حدود ۱۴.۷ به ۱ می باشد، بدان معنی که برای هر پوند بنزین (حدود ۴۵۰ گرم)، ۱۴.۷ پوند هوا (حدود ۶.۶۶۸ کیلوگرم) سوزانده خواهد شد. در عمل و در هنگام رانندگی، ترکیب سوخت با نسبت ایده آل دارای مقداری تفاوت می باشد. گاهی اوقات ترکیب رقیق (نسبت هوا به سوخت بیشتر از ۱۴.۷) و گاهی اوقات غنی (نسبت هوا به سوخت کمتر از ۱۴.۷) می شود.

مهم ترین خروجی های موتور خودرو از این قرار است:

- گاز نیتروژن ۷۸ درصد هوا را نیتروژن تشکیل می دهد، و میزان زیادی از این گاز به داخل موتور راه پیدا می کند.
- دی اکسید کربن ( $CO_2$ ) - این گاز یک محصول عمل احتراق می باشد. کربن سوخت با اکسیژن هوا ترکیب می شود.
- بخار آب ( $H_2O$ ) - این هم یک محصول دیگر عمل احتراق می باشد. هیدروژن سوخت با اکسیژن هوا ترکیب می شود.



خروجی ها اکثراً بی ضرر می باشند (هر چند اعتقاد بر این است که دی اکسید کربن به روند گرمایش جهانی کمک می نماید). حال به این دلیل که روند احتراق هیچ گاه کامل نیست، نوع دیگری از خروجی ها با مقدار کمتر و ضرر بیشتر در موتور خودرو تولید می گردد:

- مونواکسید کربن (CO) - گاز سمی بدون رنگ و بو.
- هیدروکربن ها یا ترکیبات آلی فرار (VOCs) - اغلب از سوختی که نسوخته و بخار شده به وجود می آید.

نور خورشید این ترکیبات را می شکند تا اکسیدان ها را تشکیل دهند، که با اکسید نیتروژن واکنش داده و اوزون سطح پایه (O3) را ایجاد می کند و آن جزء اصلی دود و بخار می باشد.

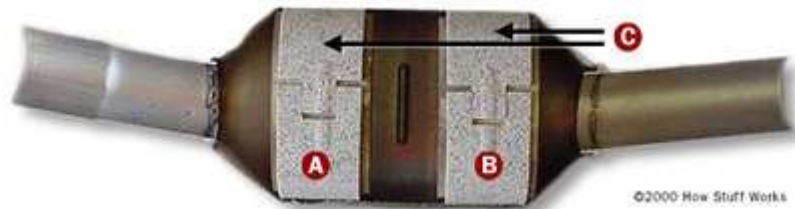
- اکسید نیتروژن (NO و NO2، همراه هم NOx خطاب می شوند) - دود و باران اسیدی را سبب شده و باعث ایجاد سوزش در ترشحات مخاطی انسان می گردد.

این سه و بعضی دیگر، موادی هستند که مبدل های کاتالیزوری، برای کاهش آنها طراحی گردیده اند.

مبدل های کاتالیزوری چگونه آلودگی را کاهش می دهند (ترجمه از sidwinder)

اکثر خودروهای نوین مجهز به مبدل های کاتالیزوری سه-وجهی می باشند. "سه-وجهی" به سه گاز خروجی تحت کنترل، که وسیله در تلاش برای کاهش شان می باشد، بر می گردد - مونواکسید کربن، VOCs و مولکول های NOx. مبدل از دو نوع کاتالیزور (واکنش یار) متفاوت استفاده می کند، یک کاتالیزور کاهش و یک کاتالیزور اکسیدگر. هر دو نوع شامل یک ساختار سرامیکی می باشند که با یک کاتالیزور فلزی پوشیده شده، معمولاً پلاتینیوم، رُدیئم و یا پالادیوم.

هدف، ایجاد یک ساختار است که بیشترین سطح پوشش کاتالیزور را روی گاز خروجی اعمال کند، همچنین در عین حال، میزان به کارگیری کاتالیزور را به حداقل برساند (این مواد بسیار گران قیمت می باشند).



- A Reduction catalyst**
- B Oxidation catalyst**
- C Honeycomb**

یک مبدل کاتالیزوری سه-وجهی؛ توجه کنید که دو کاتالیزور جدا از هم وجود دارند.

دو نوع ساختار اصلی برای مبدل های کاتالیزوری وجود دارد - بافت لانه زنبوری و مهره های سرامیکی. اکثر خودروهای امروزی از ساختار لانه زنبوری بهره می برند.



ساختار کاتالیزور لانه زنبوریِ سرامیکی

### کاتالیزور کاهش

اولین مرحله مبدل کاتالیزوری، کاتالیزور کاهش می باشد. این کاتالیزور با استفاده از پلاتینیوم و رُدییم به کاهش خروجی های NOx کمک می نماید. هنگامی که یک مولکول NO و یا NO<sub>2</sub> با کاتالیزور برخورد می کند، کاتالیزور، اتم نیتروژن را از مولکول جدا کرده و به آن می چسبند و از آن طرف اکسیژن در قالب O<sub>2</sub> آزاد می گردد. اتم های نیتروژن با دیگر اتم های نیتروژنی که به کاتالیزور چسبیده اند، پیوند خورده و N<sub>2</sub> را تشکیل می دهند. برای مثال:



### کاتالیزور اکسیدگر

دومین مرحله مبدل کاتالیزوری، کاتالیزور اکسیدگر می باشد. این کاتالیزور با سوزاندن (اکسید کردن) هیدروکربن های نسوخته و مونواکسید کربن بر روی یک کاتالیزور پلاتینیوم و پالادیوم، از مقدار آنها می کاهد. این کاتالیزور، به واکنش CO و هیدروکربن ها با باقیمانده اکسیژن موجود در گاز خروجی، یاری می رساند. برای مثال:

اما این اکسیژن از کجا می آید؟  $2CO + O_2 \Rightarrow 2CO_2$

### سیستم کنترل

سومین مرحله، سیستم کنترلی است که گاز خروجی را بررسی کرده و با استفاده از اطلاعات به دست آمده، سیستم تزریق سوخت را کنترل می نماید. یک حسگر اکسیژن درست قبل از مبدل وجود دارد، بدان معنی که حسگر نسبت به مبدل، به موتور نزدیک تر است. این حسگر به کامپیوتر موتور، میزان اکسیژن موجود در گاز خروجی را گزارش می دهد. کامپیوتر موتور می تواند میزان اکسیژن در گاز خروجی را با تنظیم نسبت هوا-به-سوخت، کم یا زیاد کند. این طرح کنترل، به کامپیوتر موتور این امکان را می دهد تا از فعالیت موتور در نزدیک ترین حالت، به نقطه محاسبه میزان عناصر، اطمینان حاصل کرده؛ و همچنین میزان اکسیژن را به اندازه کافی برای کاتالیزور اکسیدگر، به منظور سوزاندن هیدروکربن ها و CO فراهم می سازد.

[www.kandooocn.com](http://www.kandooocn.com)

[www.kandooocn.com](http://www.kandooocn.com)

[www.kandooocn.com](http://www.kandooocn.com)

## مروری کامل بر سیستم های ترمز

### مقدمه

اساس کار ترمز بر مبنای اصطکاک بین دو سطح است. مقدار اصطکاک بسته به نیروی اعمال شده بین دو سطح، زبری و جنس سطوح تغییر می کند.

وقتی راننده پدال ترمز را فشار می دهد و ترمزها به کار می افتند، سیالی از داخل لوله های روغن عبور می کند و به مکانیسمهای ترمزگیری در چرخها می رسد. این مکانیسمهای ترمزگیری به قطعات چرخان نیرو وارد می کنند تا حرکت چرخها کند شود یا چرخها از حرکت باز ایستند.

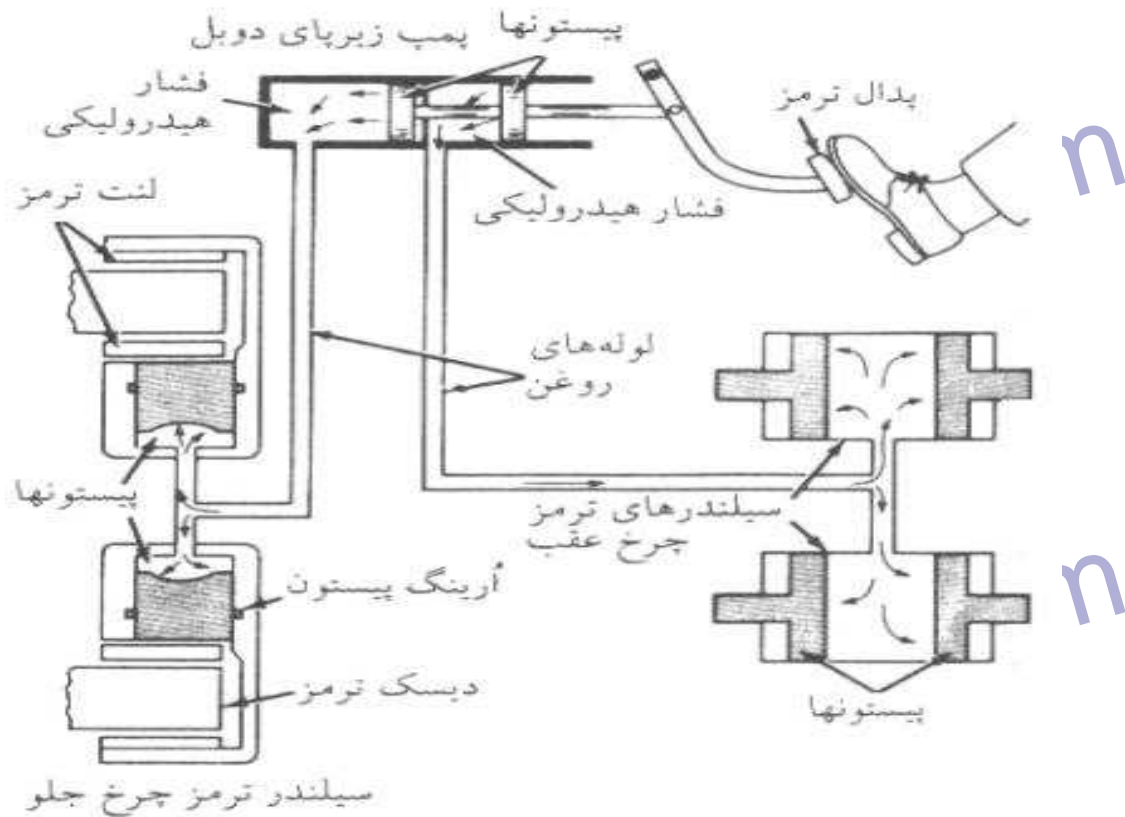
مکانیسمهای ترمز چرخ بر دو نوعند: کاسه ای و دیسکی. در ترمز کاسه ای فشار روغن، کفشکهای ترمز لنت کوبی شده را به یک کاسه چرخان یا کاسه چرخ می فشارد. در ترمز دیسکی، فشار روغن لنتهای ترمز را به دیسکی چرخان می فشارد. اصطکاک بین کفشها یا لنت ترمزهای ساکن با کاسه یا دیسک چرخان منشا عمل ترمزگیری است که سبب کند شدن حرکت یا توقف چرخها می شود.

اگر راننده خیلی محکم ترمز بگیرد، بطوریکه چرخها قفل شوند، اصطکاک بین لاستیکها و سطح جاده از نوع جنبشی خواهد بود. اگر ترمز خیلی محکم گرفته نشود، چرخها به چرخیدن ادامه خواهند داد، در این حالت با اصطکاک ایستائی سروکار داریم؛ یعنی اصطکاک در آستانه حرکت که مقدار آن نیز از اصطکاک جنبشی بیشتر است. در صورتیکه چرخها قفل نشوند، خودرو پیش از توقف مسافت کمتری را می پیماید و زودتر متوقف می شود. اما ترمز را همواره باید چنان گرفت که چرخها در آستانه قفل شدن باشند. این اصل اساس کار سیستم ترمز قفل نشو یا ABS است. این سیستم مانع قفل شدن چرخها و سر خوردن لاستیکها در هنگام ترمزگیری شدید می شود. در نتیجه خودرو سریعتر، در فاصله کوتاهتر و با کنترل خوب متوقف می شود.

### اجزای ترمز

سیستم ترمز پائی شامل دو بخش اصلی است. این بخشها عبارتند از سیلندر اصلی یا پمپ زیر پا و مکانیسمهای ترمز کاسه ای یا دیسکی در چرخها. پمپ زیر پا یک پمپ پیستونی رفت و برگشتی است. وقتی راننده پدال را فشار می دهد، این فشار به سیستم هیدرولیکی منتقل می شود، روغن ترمز از پمپ زیر پا وارد لوله های روغن می شود و به مکانیسمهای ترمز می رسد. (شکل ۴-۱) با افزایش فشار هیدرولیکی کفشکها یا لنت ترمزها به کاسه ها یا دیسکهای چرخان فشرده می شوند،

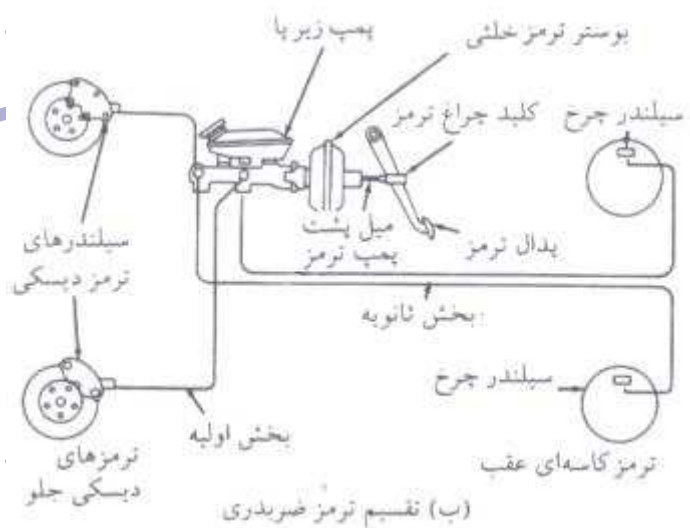
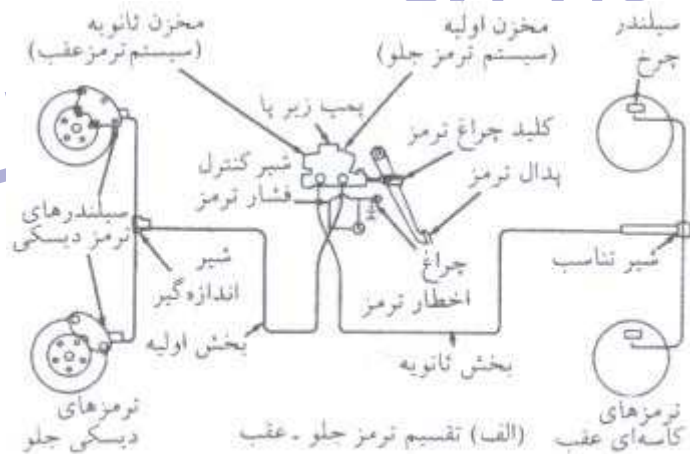
در نتیجه نیروی مکانیکی پدال ترمز به نیروی هیدرولیکی وارد بر مکانیسمهای ترمز چرخ تبدیل می شود.



شکل ۱-۴ اجزای ساده سیستم ترمز

در اکثر خودروها، ترمزهای چرخها دو به دو با هم عمل می کنند. بدین صورت که معمولاً در خودروهای دیفرانسیل عقب دو چرخ عقب از یک لوله روغن و چرخهای جلو از یک لوله روغن مجزا استفاده می کنند. در بسیاری از خودروهای دیفرانسیل جلو نیز چرخها بصورت ضربدری هرکدام به یک لوله متصلند. (شکل ۲-۴) مجزا کردن سیستم هیدرولیکی به دو بخش، ایمنی خودرو را افزایش می دهد. اگر یکی از بخشها نشتی روغن داشته باشد و کار کند، بخش دیگر به کار خود ادامه می دهد و خودرو را متوقف می کند. به ندرت ممکن است هر دو بخش همزمان از کار بیفتند. در سیستمهای قدیمی، سیلندر اصلی یا پمپ زیر پا فقط یک پیستون داشت. در این سیستمها وقتی در نقطه ای از سیستم هیدرولیکی عیبی بروز می کرد، خودرو دیگر ترمز نمی گرفت.





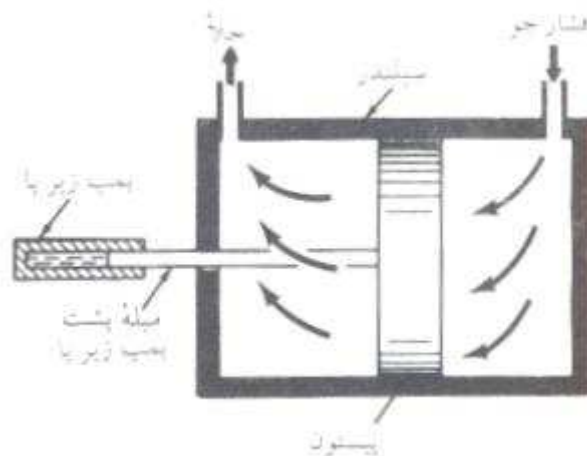
شکل ۲-۴ نحوه تقسیم فشار هیدرولیک بین چرخها

### ترمز بوستری

اکثر خودروها به سیستم ترمز بوستری مجهزند. در این نوع سیستم وارد کردن نیروی نسبتاً کمی بر پدال ترمز برای کاهش سرعت یا متوقف کردن خودرو کافی است. در صورتی که موتور خاموش باشد یا بوستر خراب شده باشد، ترمز عمل می کند، اما راننده باید نیروی بیشتری به پدال ترمز وارد کند.

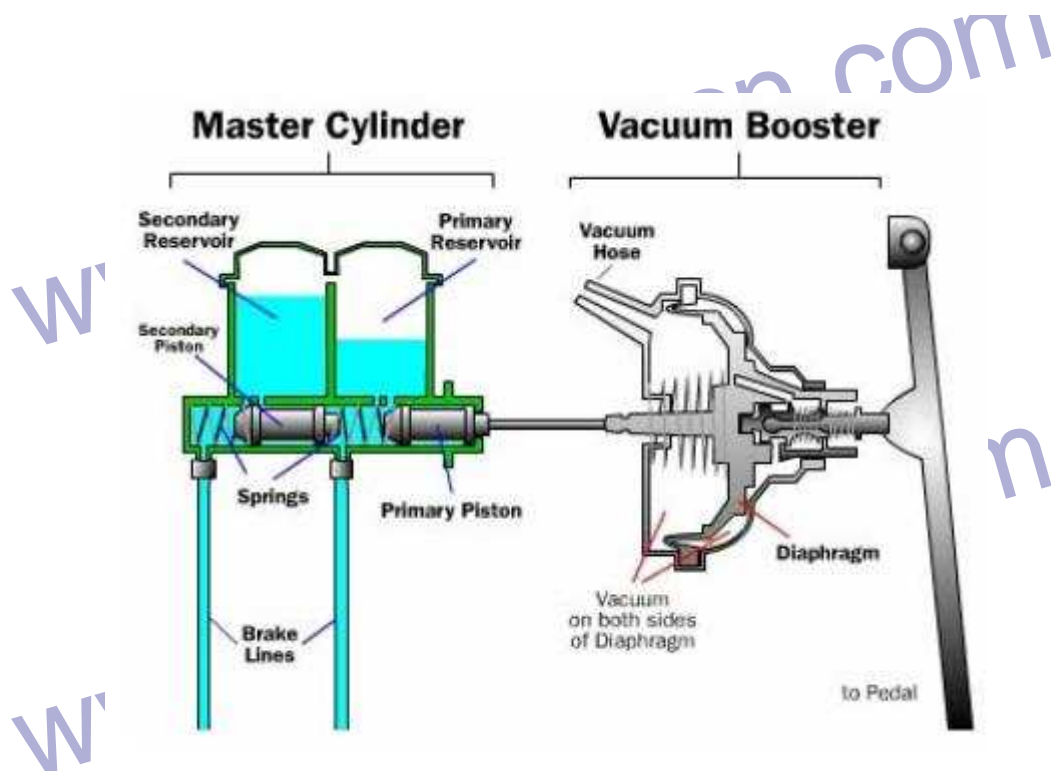


بوستر ترمز خلئی، سیلندری دارد که در آن پیستون یا دیافراگمی تعبیه شده است. وقتی پدال ترمز رها می شود، پیستون در نتیجه خلا معلق می ماند چرا که خلا در دو طرف آن برابر است. این خلا مورد نیاز بوسیله لوله ای از منیفولد بنزین یا یک پمپ خلا تامین می شود. با فشار دادن پدال ترمز، فشار در یک طرف پیستون به فشار جو می رسد، بنابراین پیستون به طرف دیگر کشیده می شود و نیروی کمی که راننده به پدال وارد می کند به کمک فشار جو افزایش می یابد. (شکل ۳-۴)



شکل ۳-۴ اساس کار بوستر خلئی ترمز

با فشار دادن پدال ترمز، میلۀ پشت پدال ترمز شیر هوا را از شیر تنظیم متحرک دور می کند. هوا با فشار جو از شیرها می گذرد و وارد فضای بین پیستون و پوسته عقب می شود. در نتیجه دیافراگم و میلۀ پشت پمپ زیر پا به طرف پمپ زیر پا حرکت می کنند. وقتی پیستونها در داخل پمپ زیر پا عمل کنند، ترمز عمل می کند. بارها کردن پدال ترمز شیر هوا دوباره با شیر تنظیم متحرک تماس پیدا می کند. در نتیجه محفظه پشت پیستون و دیافراگم، نسبت به ورود هوا درزبندی می شوند. (شکل ۴-۴)



شکل ۴-۴ ساختمان مجموعه پمپ اصلی و بوستر خلی ترمز

#### ترمز کاسه ای

ترمز کاسه ای یک کاسه ترمز فلزی دارد که مجموعه ترمز هر چرخ را در بر می گیرد. درون این کاسه ترمز دو کفشک ترمز خمیده به سمت خارج حرکت می کنند تا سرعت چرخش کاسه ترمز را که همراه چرخ می چرخد کاهش دهند یا آن را متوقف کنند. بدین صورت که وقتی راننده پدال ترمز را فشار می دهد، روغن ترمز از محفظه فشار پمپ زیر پا و از طریق لوله های روغن به سیلندر روغن درون چرخ می رسد. سیلندر چرخ فشار هیدرولیکی پمپ زیر پا را به حرکت مکانیکی تبدیل می کند. وقتی فشار افزایش می یابد، پیستون درون سیلندر بر نیروی فنرهای برگشت کفشک ترمز غلبه می کند و کفشکها را به طرف بیرون می راند تا به کاسه بچسبند.

کفشکهای ترمز معمولاً از فلز ساخته می شوند و روی این کفشکها لنت ترمز چسبانده یا پرچکاری می کنند. لنت ترمز را غالباً از مواد بدون آزبست مانند فایبرگلاس یا ماده نیمه فلزی می سازند که می تواند در برابر گرمای ناشی از عمل کردن ترمز پایداری کند. قبلاً از آزبست هم در

ساخت لنت ترمز استفاده می شود، اما امروزه به سبب زیانهای که آزیست برای سلامتی انسان دارد کمتر مورد استفاده قرار می گیرد.

بر اساس نحوه قرار گرفتن این کفشکها درون کاسه چرخ، این ترمز به انواع گوناگون تقسیم می شوند:

**Leading and trailing shoe brakes**: در این ترمزها فنرهای برگشت دهنده دو

کفشک را در بالا به سیلندر چرخ و در پایین به پینهای ثابت نگهدارنده کفشک فشار می دهند.

فشار دادن پدال ترمز سبب می شود که پیستونهای سیلندر چرخها، سر کفشکها را به طرف بیرون

جابجا کنند و آنها را به کاسه ترمز بچسبانند. اصطکاک بین کفشک جلو و کاسه ترمز سبب می شود

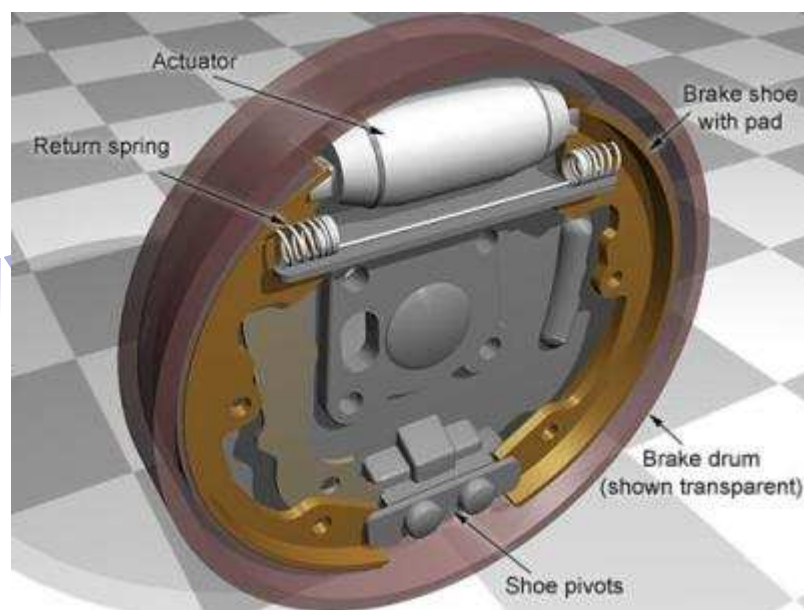
که کفشک جلو سعی کند همراه با کاسه بچرخد. این عمل کفشک جلو، ته کفشک را به پین

نگهدارنده کفشک می فشارد، در نتیجه بیشتر عمل ترمزگیری را کفشک جلو انجام می دهد. وقتی

کفشک عقب با کاسه تماس پیدا می کند، کاسه در حال چرخش می کوشد تا کفشک را از خود

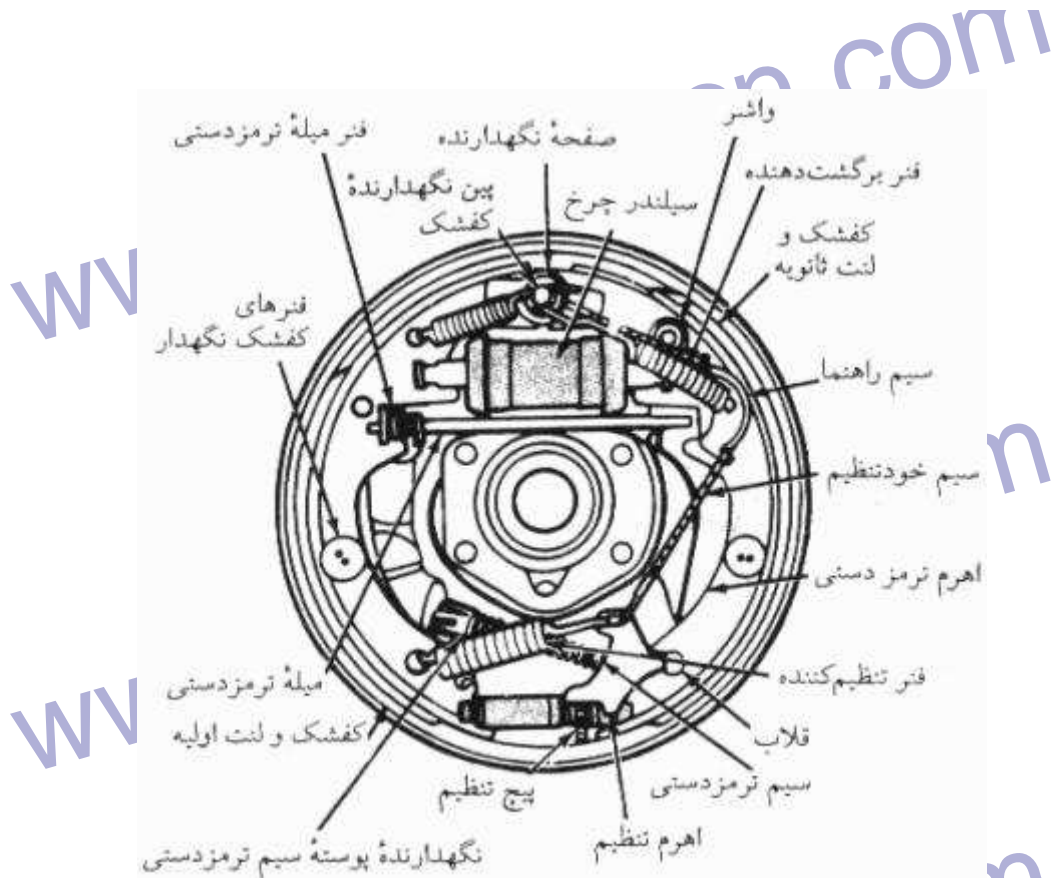
دور کند. بنابراین کفشک عقب کمتر از کفشک جلو ساییده می شود. وقتی خودرو دنده عقب می

رود نقش کفشکهای جلو و عقب با هم عوض می شوند. (شکل ۴-۵)



#### شکل ۴-۵ Leading and trailing shoe brakes

**Duo-servo shoe brakes** : در این نوع از ترمزها سر کفشکها به یک پین نگهدارنده تکیه دارد. ته کفشکها با یک پیچ تنظیم متحرک به هم متصل است. کفشک به طرف جلو خودرو، کفشک اولیه و کفشک به طرف عقب خودرو کفشک ثانویه نام دارد. وقتی کفشکها با کاسه در حال چرخش تماس پیدا می کنند، اصطکاک سبب می شود که هر دو کفشک سعی کنند همراه کاسه بچرخند. سر کفشک اولیه تمایل به کشیده شدن به داخل کاسه را دارد و پایین می آید. سپس ته کفشک پیچ تنظیم را به طرف عقب می راند. در نتیجه این عمل، ته کفشک ثانویه به کاسه فشرده می شود و کاسه، کفشک ثانویه را به طرف بالا جابجا می کند و به پین نگهدارنده کفشک می فشارد. کاسه با ادامه چرخش تمایل پیدا می کند که هر دو کفشک را تنگتر به طرف خود بکشد، در نتیجه عمل تقویتی کفشک ثانویه شدت بیشتری می یابد. در این ترمزها عمل تقویتی دو کفشک سبب می شود که نیروی کل ترمز گیری از نیرویی که سیلندر چرخ تامین می کند بیشتر شود. (شکل ۴-۶)



شکل ۴-۶ Duo-servo shoe brakes

دو نوع ترمز کفشکی Two leading shoe و Two trailing shoe brakes نیز وجود دارند که در این نوع ترمزها هر دو کفشک یک نقش را بازی می کنند یعنی با توجه به نحوه قرار گرفتن کفشکها یا هر دو leading و یا هر دو trailing هستند.

#### تنظیم کننده های خودکار ترمز کاسه ای

بیشتر ترمزهای کاسه ای خود تنظیمند تا بتوانند سایش لنت را جبران کنند. دو نوع تنظیم کننده خودکار مورد استفاده در ترمزهای با کفشک عقب و جلو عبارتند از :

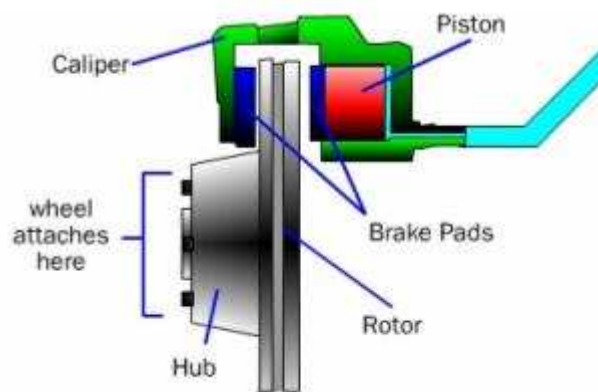
تنظیم کننده خودکار یکبارگی : در این نوع وقتی که خلاصی بین لنت و کاسه به اندازه معینی رسید، فقط یک بار کفشکها را تنظیم می کند. پس از آن تنظیم مجدد امکان پذیر نیست و کفشکها را باید عوض کرد و تنظیم کننده خودکار را دوباره آماده کار ساخت.

**تنظیم کننده خودکار تدریجی :** در اینجا وقتی که فاصله لنت با کاسه به اندازه ای برسد که برای پیچیدن پیچ تنظیم کافی باشد، این تنظیم کننده کفشک را به طرف کاسه می راند. تنظیم در هنگام ترمز گرفتن، در حین حرکت رو به جلو یا عقب، انجام می شود. وقتی کفشک ترمز باز می شود، فنر برگشت پیچ تنظیم اهرم تنظیم را به طرف بالا می راند. اگر لنت به اندازه کافی ساییده شود، اهرم از دندانه بعدی چرخ تنظیم بالاتر می رود. وقتی پدال ترمز رها می شود، اهرم تنظیم به طرف پایین می آید، در نتیجه دندانه می پیچد. آن گاه پیچ تنظیم اندکی طویل تر می شود تا کفشک را به کاسه نزدیکتر کند.

#### ترمز دیسکی

در ترمز دیسکی بجای کاسه ترمز از یک دیسک چرخان و بجای کفشکهای خمیده از یک جفت کفشک مسطح بنام لنت ترمز استفاده می شود. در هنگام ترمز گرفتن این لنتها به دیسک در حال چرخش فشرده می شوند. همچنین لنتها از پشت به یک سیلندر و پیستون متصل هستند. (شکل ۴-۷) در هنگام ترمز گرفتن، فشار روغن پشت هر پیستون، آن را به طرف بیرون می راند، در نتیجه لنتها به دیسک فشرده می شوند. در اثر تماس لنتها با دیسک، سرعت چرخش دیسک و چرخ کاهش می یابد و چرخ متوقف می شود.

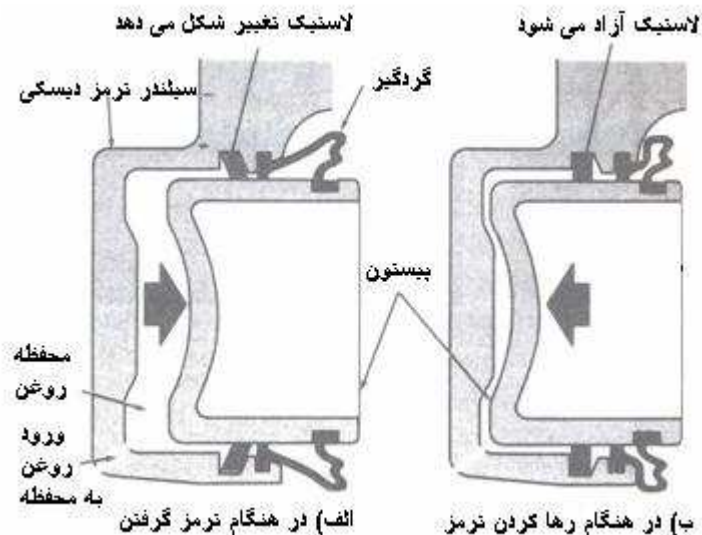




شکل ۴-۷ ترمز دیسکی و اجزای آن

### تنظیم خودکار ترمز دیسکی

ترمز دیسکی نیز با ساییده شدن لنت، خود به خود تنظیم می شود. سوراخ سیلندر ترمز شیار دارد که یک لاستیک در آن قرار گرفته است. این لاستیک پیستون را محکم دربر گرفته است. وقتی ترمز گرفته می شود، پیستون به طرف دیسک حرکت می کند؛ در نتیجه لاستیک تغییر شکل می دهد، اما باز هم به پیستون چسبیده است. وقتی ترمز رها می شود، لاستیک هم آزاد می شود و به وضعیت اولیه خود بر می گردد. با بازگشت لاستیک به وضعیت قبلی پیستون هم به آهستگی از دیسک دور می شود، اما لنت ترمز ممکن است اندکی با دیسک در تماس باقی بماند. با سایش لنت ترمز، مسافتی که پیستون در هنگام گرفتن ترمز باید بپیماید طولانیتر از آن می شود که لاستیک بتواند با تغییر شکل خود باز هم پیستون را دربرگیرد. در این حالت پیستون از لاستیک بیرون لغزیده و در وضعیت جدیدی قرار خواهد گرفت. این تنظیم خودکار سبب می شود که لنت ترمز به دیسک نزدیکتر شود و سایش لنت را جبران کند. (شکل ۴-۸)



شکل ۴-۸ تنظیم کننده خودکار ترمز دیسکی

بسیاری از لنتهای ترمز دیسکی سایش نمای صوتی دارند. وقتی لنت ترمز به اندازه ای نازک می شود که زمان تعویض آن فرا می رسد، سایش نما به دیسک ترمز ساییده می شود. در نتیجه این عمل صدای خراشیدن بلندی به گوش راننده می رسد و راننده را از ساییده شدن لنت ترمز آگاه می گرداند.

### ترمز ABS

وقتی سرعت لاستیکها، با آهنگی تندتر از سرعت خودرو کاهش یابد، لاستیکها روی سطح جاده سر می خورند. یکی از راههای جلوگیری از سر خوردن لاستیک، جلوگیری از قفل شدن ترمزهاست. این همان کاری است که سیستم ترمز ABS انجام می دهد. در حین ترمزگیری عادی، سیستم ترمز ABS هیچ اثری بر ترمز پایی ندارد. اما وقتی راننده به شدت ترمز می گیرد، این سیستم مانع قفل شدن چرخها می شود. این سیستم به ترمزها اجازه می دهد تا آستانه سر خوردن لاستیکها عمل کنند. در این هنگام سیستم ABS فشار روغن ترمز هر چرخ را تغییر می دهد. بدین ترتیب

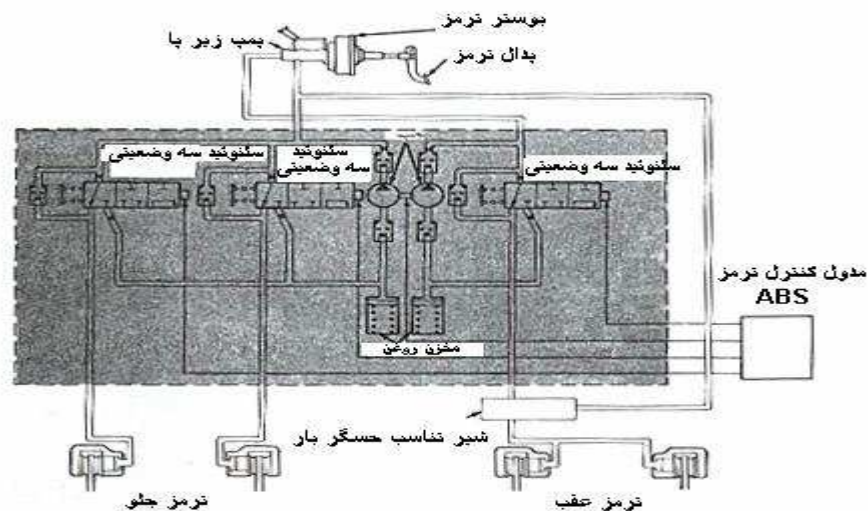


پمپ کردن سریع سبب می شود که آهنگ کاهش سرعت چرخ، از آهنگی که سبب قفل شدن چرخها می شود کمتر بماند.

### نحوه عمل ترمز ABS

لوله های هیدرولیکی که از پمپ زیر پا می آیند، به یک کارانداز هیدرولیکی متصل می شوند. لوله های دیگری از این کارانداز به ترمز هرچرخ کشیده می شوند. کارانداز را مدول کنترل سیستم ترمز ABS کنترل می کند. حسگرهای سرعت چرخ در هر چرخ بطور پیوسته سرعت چرخ را به مدول کنترل سیستم ترمز ABS اطلاع می دهند. این سیستم ترمز عمل نمی کند مگر اینکه کلید چراغ ترمز به مدول کنترل سیگنال بدهد که پدال ترمز فشرده شده است. وقتی مدول کنترل افت سریع سرعت چرخ را حس می کند، به کارانداز سیگنال می دهد که فشار روغن ترمز آن چرخ را تغییر دهد، در نتیجه چرخ قفل نمی شود. این عمل به صورت زیر اتفاق می افتد :

مدول کنترل سرعت چهار چرخ را بطور پیوسته مقایسه می کند. تا وقتی که هر چهار چرخ با سرعت تقریباً برابر می چرخند، مدول کنترل اقدامی نمی کند. وقتی که سرعت چرخش چرخ سریعتر از چرخهای دیگر کاهش می یابد، مدول کنترل به رله سیستم ترمز ABS سیگنال می دهد که واحد هیدرولیکی را فعال کند. یک یا دو سلنویید در واحد هیدرولیکی شیرهای تنظیم جریان یا شیرهای سلنوییدی لوله های ترمز را باز و بسته می کنند. با عمل کردن این شیرهای سلنوییدی فشار هیدرولیکی پشت هر ترمز قطع یا وصل می شود. (شکل ۴-۹)



شکل ۴-۹ سیستم ترمز ضد قفل نسه راهه . ترمزهای جلو جداگانه و ترمزهای عقب با هم کنترل می شوند.

### Full-contact Disc brake

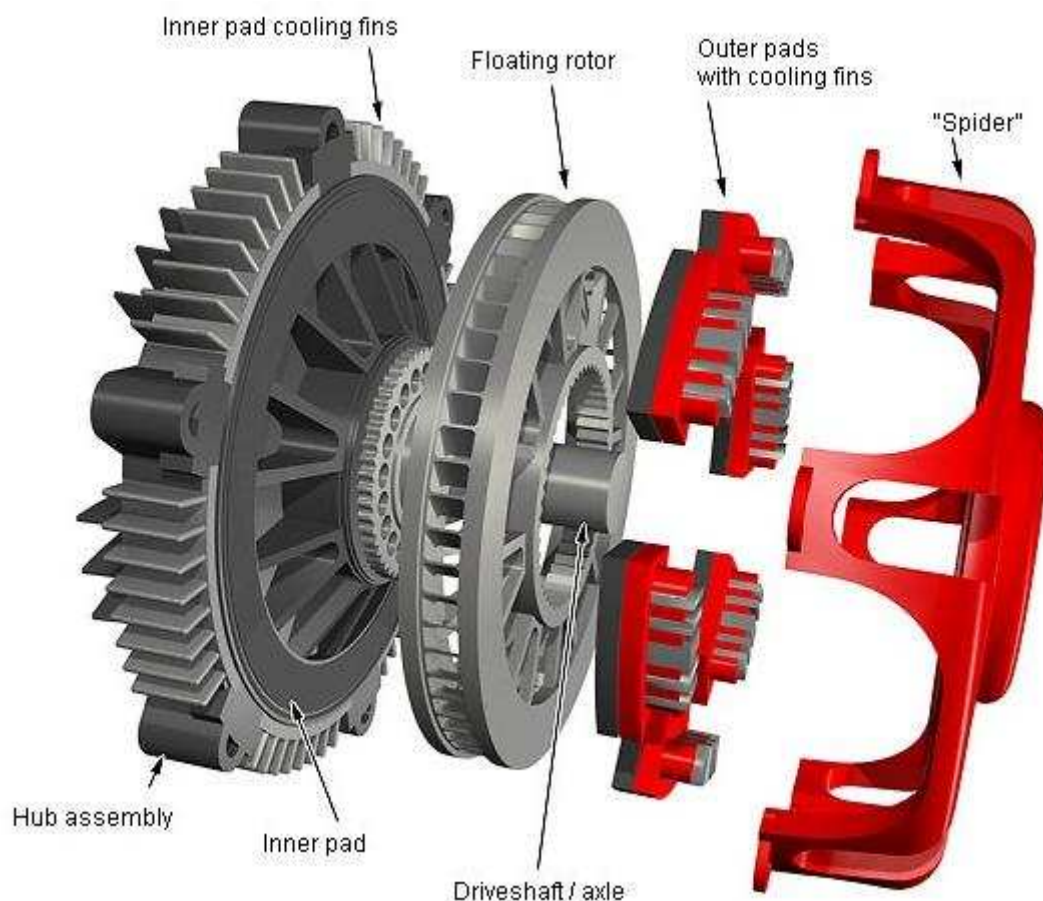
با ساخت این نمونه از ترمزها تقریباً تحول بزرگی در زمینه ترمزها بوجود آمد، اما چون اساس کار آنها با نمونه های قبلی تفاوتی نداشت، این تحول چندان به چشم نمی آید. در واقع ساخت این نمونه فراتر از یک بهبود تدریجی نمونه های قبلی است و می توان آن را تحولی جدید در ساختمان آنها محسوب کرد. این طرح شبیه ترمزهای دیسکی است، با این تفاوت که در ترمزهای دیسکی هنگام ترمزگیری تنها حدود ۱۵ درصد سطح دیسک گردان با لنتها در تماس می باشند، اما با تغییر در طراحی آنها و ساخت این نمونه که به عنوان ترمز دیسکی تمام درگیر نامیده می شود، تقریباً ۷۵ درصد سطح دیسک گردان در یک لحظه با لنتها می توانند در تماس باشند.

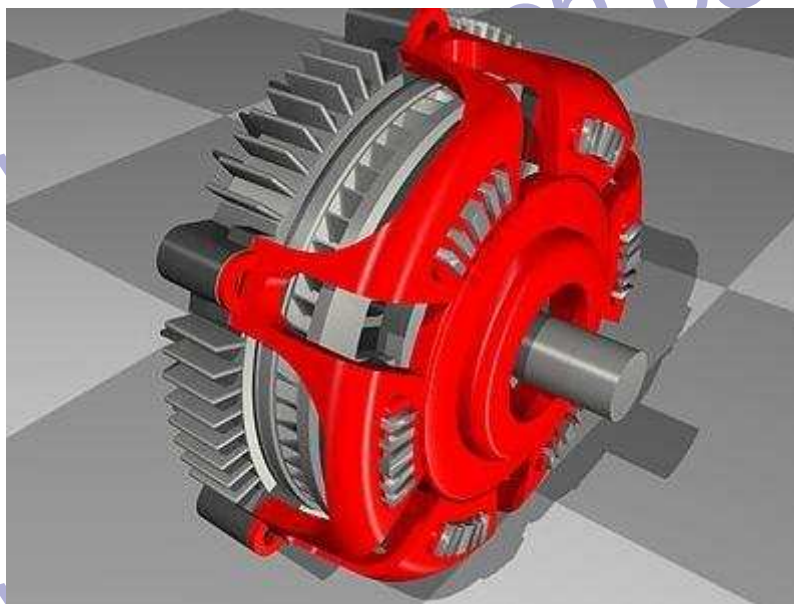
در استفاده از دیسکها و لنتهای معمول، دیسک گردان بین لنتها درگیر می شود. اما در این نمونه (Full-contac) همانطور که در شکل ۴-۱۰ مشاهده می شود، یک سطح عنکبوت مانند، دیسک ترمز را در برمی گیرد که شش لنت ترمز نیز درون این سطح و روی دیسک قرار می

گیرد. سیستم عملگر نیز بصورت هیدرولیکی بر روی لنت مدوری که پشت دیسک قرار دارد عمل می کند.

برای اطمینان از انتقال حرارت ترمز و خنک نگه داشتن آن، سیستم بوسیله پره های خنک کننده ای که به لنتهای بیرونی متصل است، پوشیده شده است. لنتهای درونی درون یک قالبی از جنس مواد کامپوزیت قرار گرفته اند. برای اطمینان از عملکرد بهینه ترمز تحت شرایط گوناگون از انواع مختلفی از مواد بعنوان لنت استفاده می شود.

مزایای اینگونه ترمزها که نسبت به گونه های قبلی آن قابل ملاحظه است، عبارتند از : خنک کاری بهتر، توان ترمز گیری بیشتر و کاهش سروصدا و ارتعاشات.





شکل ۴-۱۰ نمونه باز شده و بسته Full-contact Disc brakes

#### لنتهای ترمز

بسته به شرایط مختلف از مواد مختلفی در ساختمان لنتها استفاده می شود، در گذشته بیشتر از آزبست در لنتها استفاده می شد که امروزه به علت مشکلات زیست محیطی استفاده از آنها تقریباً منسوخ شده و بجای آنها از مواد ترکیبی و کامپوزیتی استفاده می شود. مواد اصطکاکی که امروزه در لنتها استفاده می شوند عبارتند از :

مواد آلی (Organic) : این لنتها برای استفاده در خودروهای شهری بسیار مناسبند، چرا که دوام خوبی دارند، سروصدای کمی ایجاد می کنند، سبب ساییده شدن دیسک نمی شوند و هنگامیکه خنک هستند عملکرد خوبی دارند، اما مشکل عمده آنها این است که وقتی گرم می شوند بخوبی قبل عمل نمی کنند.

نیمه فلزی (Semi-metallic/sintered) : این گونه از لنتها نمونه خوبی برای استفاده در خودروهای درون شهری و جاده ای هستند. همچنین گزینه خوبی برای استفاده در اتومبیلهای

مسابقه ای هستند. این لنتها هنگامیکه سرد هستند به خوبی مواد آلی کار نمی کنند و برعکس هنگامیکه گرم می شوند، به عملکرد خوب خود می رسند.

در این لنتها صفحات نیمه فلزی توسط قیدهای فلزی بهم متصل شده اند و گهگاه ممکن است این اتصال ضعیف از بین برود و سطوح مختلف صفحات نیمه فلزی از هم جدا شوند، که البته این اتفاق به ندرت اتفاق می افتد.

فلزی (Metallic): بطور عمده اینگونه از لنتها در خودروهای مسابقه ای یا خودروهای بسیار گرانبها استفاده می شود. سروصدای زیادی ایجاد می کنند و بعلاوه سختی فلز اثراتی روی دیسک دارند. هنگامیکه سرد باشند نیز به خوبی کار نمی کند.

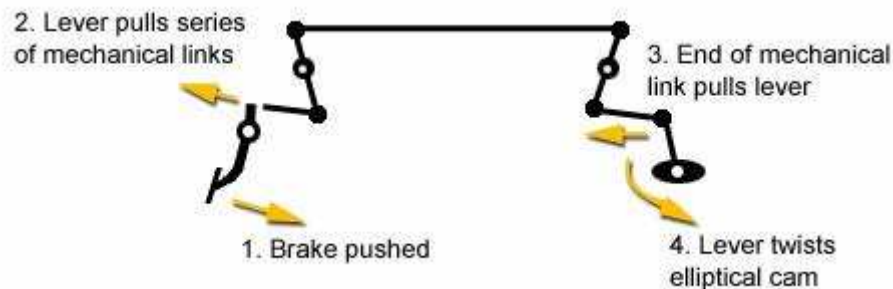
سرامیکی (Ceramic): لنتهای سرامیکی هنوز در حدود ۱۵ - ۴۰ درصد الیاف فلزی دارند که معمولاً از الیاف مس بجای فولاد استفاده می شود که علاوه بر فرسایش کمتر، حرارت را نیز بهتر منتقل می کند. این لنتها به سادگی لنتهای دیگر از بین نمی روند و دوام بیشتری دارند، زودتر خنک می شوند و تقریباً بی سروصدا عمل می کنند.

### عملگرهای ترمز

روشهای گوناگونی برای انتقال نیروی راننده به ترمزها وجود دارد که در زیر به آنها اشاره می کنیم:

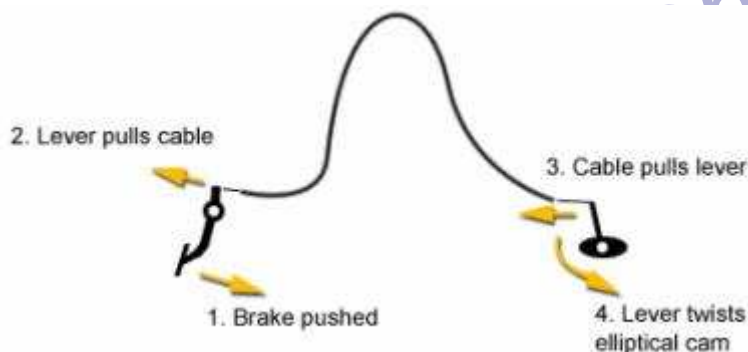
میله بندی مکانیکی یا سیمی ( Solid bar connection or Cable-operated )

در این نوع عملگرها بین پدال ترمز و کفشک ترمز یک اهرم بندی مکانیکی قرار می گیرد که عامل انتقال نیرو از پا یا دست راننده به ترمز می باشد. این نوع میله بندیها، معمولاً با بکار بردن اهرمهایی نیروی وارده توسط راننده را چند برابر می کنند. (شکل ۴-۱۱)



شکل ۴-۱۱ میله بندی مکانیکی عملگر ترمز

در برخی از موارد که از سیستمهای مکانیکی بعنوان عملگر استفاده می کنند، بجای سیستم میله بندی اهرمی از سیم استفاده می کنند. از این سیستمهای انتقال نیرو در خودروها کمتر استفاده می شود و بیشتر در ترمز چرخهای عقب موتور سیکلتها استفاده می شود. (شکل ۴-۱۲)



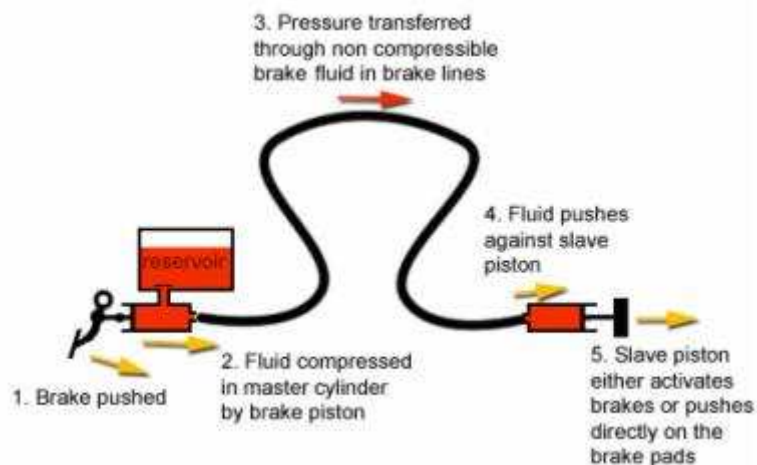
شکل ۴-۱۲ مکانیزم سیمی بعنوان عملگر ترمز

عملگر هیدرولیکی تک مرحله ای (Single-circuit hydraulic)

در این عملگر که امروزه در بیشتر خودروها و موتورسیکلتها استفاده می شود، میله و سیم بوسیله سیستم سیلندر، پیستون، منبع و سیال هیدرولیکی جایگزین می شود. سیستمهای هیدرولیکی منفرد سه جز اساسی دارند: سیلندر اصلی، سیلندر ثانویه و منبع که این اجزا توسط لوله هایی به هم مرتبطند. این لوله ها و منبع توسط سیال غیر قابل تراکمی پر می شوند. هنگامیکه پدال ترمز فشرده می شود، در واقع پیستون کوچکی که درون سیلندر اصلی قرار دارد فشرده می شود. از



آنجا یکه سیال درون سیلندر غیر قابل تراکم است، فشار بطور همزمان و از طریق لوله های انتقال سیال به سیلندر ثانویه می رسد. همین فشار توسط پیستون سیلندر دوم و از طریق یک اهرم به پشت لنت می رسد و جهت بکار انداختن ترمز از آن استفاده می شود. البته گاهی نیز بدون نیاز به اهرمی خاص، پیستون به صورت مستقیم با لنت درگیر است. (شکل ۴-۱۳) در این حالت این مزیت نیز بوجود می آید که حرارت ایجاد شده در لنت به سیال هیدرولیکی منتقل شود.



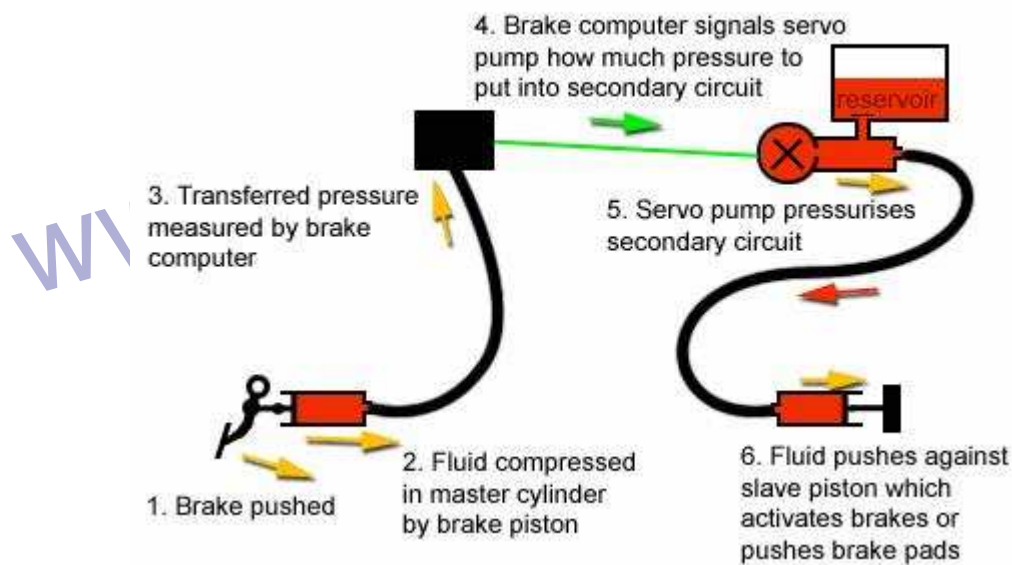
شکل ۴-۱۳ عملگر هیدرولیکی تک مرحله ای

#### عملگر هیدرولیکی دو مرحله ای (Dual-circuit hydraulic)

این گونه از عملگرهای هیدرولیکی امروزه بیشتر در خودروهای گرانبها و همچنین بر روی برخی از موتورسیکلت های جدید استفاده می شود. این سیستم دو مدار جداگانه دارد. مدار فرمان که از راننده و توسط فشار پدال فرمان می گیرد و یک مدار جداگانه که توسط یک مدول کنترل هدایت می شود و در واقع همان مداری است که سرانجام بر روی لنتها اعمال فشار می کند. چنانچه پدال ترمز فشار داده شود، یک سیگنال فشار از طریق مدار اول به مدول کنترل می رسد، توسط این سیستم کنترلی، مقدار نیروی اعمالی وارده به پدال اندازه گیری می شود، سپس با استفاده از یک پمپ و از



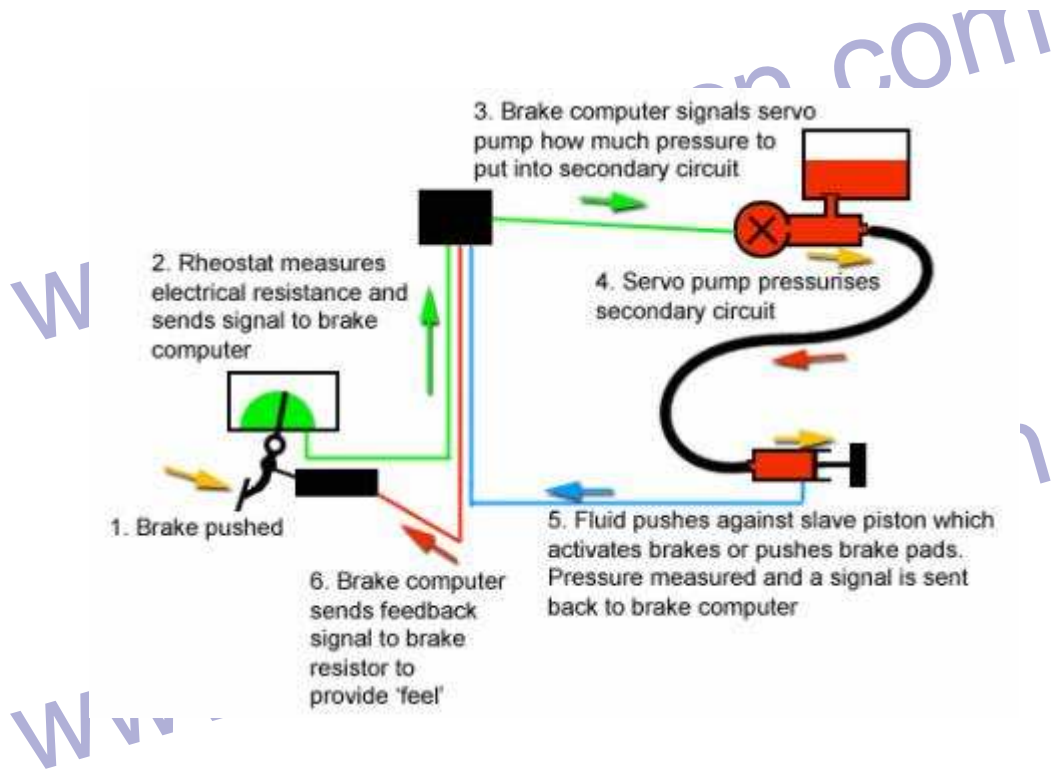
طریق مدار دوم همان مقدار نیرو را به پشت لنتها می رساند. اگر راننده سعی کند هنگامیکه سرعت خودرو بسیار زیاد است، ناگهان ترمز کند، مدول کنترل سیستم، تمام نیروی اعمالی از طریق راننده را به مدار دوم انتقال نمی دهد، بلکه با توجه به شرایط موجود و سرعت خودرو، نیروی بهینه را به مدار دوم منتقل می کند. (شکل ۴-۱۴)



شکل ۴-۱۴ عملگر هیدرولیکی دو مرحله ای

### عملگر هیدرولیکی-الکترونیکی (Brake-by-wire)

این نمونه از پیشرفته ترین نمونه ها در نوع خود است که معمولاً در خودروهای مسابقه ای فرمول یک استفاده می شود. از لحاظ ساختمانی شبیه عملگر هیدرولیکی دو مرحله ای است با این تفاوت که بجای مدار فرمان هیدرولیکی، یک مدار فرمان الکترونیکی جایگزین شده است. بدین صورت که پدال ترمز به یک رئوستای فوق العاده حساس متصل شده است و هرچه پدال بیشتر فشرده شود، سیگنال بزرگتری به مدول کنترل فرستاده می شود. (شکل ۴-۱۵) اما مدار هیدرولیکی دوم شبیه حالت قبل است. از مزایای این سیستم این است که می توان محل پدال را بدون محدودیت هر جای دلخواهی در نظر گرفت.



شکل ۴-۱۵ عملگر هیدرولیکی-الکترونیکی

[www.kandooon.com](http://www.kandooon.com)

[www.kandooon.com](http://www.kandooon.com)

[www.kandooon.com](http://www.kandooon.com)